



تهیه شده در:  
معاونت اقتصادی  
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران  
تیر ماه ۱۳۹۶

# بررسی مسائل روز اقتصاد ایران

همکاران این شماره:

ناظر گزارش دوم: منیره امیرخانلو

گزارش شماره ۱: جعفر خیرخواهان  
گزارش شماره ۲: آیدا ابونبی

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- گزارش شماره ۱: بررسی پدیده ترامپ و آثار و عواقب آن بر اقتصاد امریکا و جهان ..... ۱
- گزارش شماره ۲: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اتاق استانبول ..... ۴۲

گزارش شماره ۱:

## بررسی پدیده ترامپ و آثار و عواقب آن بر اقتصاد امریکا و جهان

### خلاصه مدیریتی

دونالد ترامپ با طرح شعارهای ملی‌گرایانه، حمایت‌گرایانه و عوام‌فریبانه به مبارزات انتخاباتی پرداخت و با جلب نظر مردم امریکا به ریاست جمهوری رسید. به این ترتیب جهان ناگهان با پدیده‌ای به نام ترامپ مواجه شد. ترامپ چه شعارهایی داد، چه افکار و ایده‌هایی در سردردارد و اقتصاد امریکا و به تبع آن اقتصاد جهان را به کدام سمت و سو خواهد برد؟ ترامپ از این مهارت برخوردار بود که از خشم و آزرده‌گی مردم امریکا نسبت به زیان‌هایی که آزادی تجارت، جهانی‌شدن و اتحادها و پیمان‌های تجاری به آنها وارد کرده بود بهره‌برداری کند و با طرح شعارهای احساسی و حتی خلاف منافع ملی امریکا، رای آنها را به دست آورد. قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه چه میزان قدرت واقعی به ترامپ می‌دهد که می‌تواند افکار و خواسته‌های خود را پیاده سازد؟ با توجه به اهمیت قدرت اقتصادی امریکا و اهمیتی که تصمیمات اتخاذشده در این کشور بر اقتصاد جهانی می‌گذارد این شماره از بولتن اقتصادی به برآمدن ترامپ با تاکید بر اثرات اقتصادی انتخاب وی و پاسخ‌دادن به پرسش‌های بالا اختصاص یافته است.

مطالب بولتن از سه بخش به شرح زیر تشکیل شده است. ابتدا به وعده‌های پوپولیستی ترامپ و اثرات آن بر اقتصاد امریکا و بقیه جهان توجه می‌شود. ترامپ از همان ابتدا تهدید کرد که تعهدات مربوط به توافقات تجاری دیرپا را به هم می‌زند و موانع و تعرفه‌ها بر واردات به امریکا را بشدت افزایش می‌دهد. تهدیدات اصلی وی عبارت بودند از (۱) خروج از شراکت دو سوی اقیانوس آرام؛ (۲) تجدید مذاکره پیمان نفتا «تا معامله بسیار بهتری صورت بگیرد» یا در غیراین صورت خروج از این پیمان؛ و (۳) متهم کردن چین به دستکاری در نرخ ارز. اقتصاد ترامپی در عمل بیش از آنکه شغل خلق کند، مشاغل را نابود می‌کند و بیش از همه به اعتبار و دامنه نفوذ جهانی امریکا خسارت شدیدی می‌زند، چرا که در موضوعات مهمی مانند تجارت خارجی و مهاجرت کمتر حاضر به همکاری با بقیه جهان خواهد بود. پیروزی ترامپ «قدرت نرم» آمریکا را عمیقاً تضعیف کرد. اینک اتحادیه اروپا و چین می‌توانند وزن خویش را در برابر آمریکا افزایش دهند. از اتحادیه اروپا انتظار می‌رود متحدتر عمل کرده و در زمینه‌های مختلف مانند سیاست رقابتی و تعرفه‌ها از موضع قدرت با آمریکا برخورد کنند. از چین هم که به تدریج به قدرت اول اقتصادی جهان تبدیل می‌شود انتظار این است که هزینه‌های بیشتر نسبت به گذشته بابت ابرقدرت شدن خود بپردازد.

در بخش دوم دیدگاه برخی روشنفکران و اندیشمندان اقتصادی درباره خصوصیات شخصی و ابعاد شخصیتی عجیب ترامپ و چگونگی حفظ بقا در دوران ریاست جمهوری وی که خواهان بهم زدن نظم جهانی است مطرح می‌شود. ترامپ، جهان را برحسب یک بازی حاصل جمع صفر می‌بیند. این اندیشمندان توصیه به واقع بینی و درس گرفتن از تاریخ و تجربه گذشته و تقویت نهادهای دموکراتیک مانند دادگاه‌ها و رسانه‌های مستقل برای مقابله با شکل‌گیری قدرت مطلقه یک رئیس جمهور غیرپاسخگو می‌کنند.

در بخش پایانی و مهم سوم درباره ابزارهای در اختیار ترامپ برای انتقام‌گیری تجاری و قدرتی که به پشتوانه قوانین در اختیار دارد هشدار داده می‌شود. ترامپ بر این باور است که اقتصاد جهانی علیه امریکا بسیج شده است و او می‌خواهد قوانین حاکم بر اقتصاد جهانی را به شکل بنیادی تغییر دهد. در این بخش، سه سناریوی احتمال وقوع جنگ تجاری تمام عیار، جنگ تجاری نامتقارن و جنگ تجاری ناکام‌مانده تحلیل می‌شود. با به قدرت رسیدن ترامپ، شاید مهمترین موضوع و چالش درباره آینده جهانی شدن و اینکه نظم اقتصادی جهان به کدام سمت و سو خواهد رفت باشد.

شرکای تجاری امریکا باید به درک مشترک برسند که نباید از تمهیدات تجاری انتقام‌جویانه این کشور تقلید کرد. برای شروع کار، همه کشورها باید تلاش‌های خود را در متنوع ساختن مقاصد صادراتی خویش به بازارهای جدید چند برابر کنند. در ادغام بازارهای جدید و تجارت منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه پتانسیل بهره‌برداری نشده زیادی وجود دارد.

در انتها نیز تبعاتی که سیاست‌های ترامپ بر اقتصاد امریکا و سایر کشورهای جهان از جمله اتحادیه اروپا و آلمان می‌گذارد مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. تا پیش از آمدن ترامپ، برپایه ارزیابی از حرکت کالاها، پول و مردم در فراسوی مرزهای بین‌المللی، می‌شد اینگونه نظر داد که شواهدی اندک مبنی بر عقب‌نشینی جهانی شدن وجود دارد. اما اینک با نگاه به آینده، می‌توان حدس زد که در سال‌های پیش رو، یا میزان جهانی شدن تثبیت گردد یا آهنگ به هم‌پیوستگی اقتصاد جهانی کندتر شود.

«مردان و زنان فراموش شده کشور ما، حالا دیگر فراموش نخواهند شد. مادران و کودکانی که در ایالت‌های غرب میانه کشور گرفتار فقر هستند، کارخانه‌های زنگ‌زده‌ای که مانند گورستان‌ها در گوشه و کنار کشور پراکنده شده‌اند، نظام آموزشی ناکارا که بودجه فراوانی هدر می‌دهد. ما اینها را درست اینجا و دقیقاً همین حالا متوقف می‌کنیم. ... به مدت چندین دهه، ما صنایع خارجی را به قیمت افول صنایع امریکایی ثروتمند کردیم. ما از مرزهای سایر ملت‌ها دفاع کردیم درحالی‌که مرزهای خودمان را رها کردیم. یکایک کارخانه‌های مان را تعطیل کردیم و به کشورهای خارجی فرستادیم بدون اینکه به میلیون‌ها امریکایی که بیکار شدند فکر کنیم. ... هر تصمیمی که درباره تجارت، مالیات، مهاجرت، امور خارجی گرفته می‌شود باید به نفع کارگران و خانواده‌های امریکایی باشد. ما باید از مرزهای خود در برابر خسارت و تخریبی که سایر کشورها با ساختن محصولات ما، دزدیدن شرکت‌های ما، و نابود کردن مشاغل ما وارد می‌کنند حمایت کنیم. حمایت‌گرایی به رونق و قدرت اقتصادی ما منجر خواهد شد. ما مشاغل مان را به امریکا بازخواهیم گرداند. ما رویاهایمان و ثروتمان را بازخواهیم گرداند.»

مطالب بالا گزیده‌ای از سخنرانی دونالد ترامپ بود که به مناسبت شروع ریاست جمهوری خود در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ ایراد کرد. ترامپ استاد بیان داستان و قصه‌گویی<sup>۱</sup> است. او از قدرت قصه گفتن و شعار دادن خیلی خوب آگاه بود و توانست رای مردم آزرده و به خشم آمده را به سمت خود جلب کند. داستان اصلی دونالد ترامپ که «عظمت را به امریکا برمی‌گرداند»<sup>۲</sup> در عین حال که شعاری تحریک‌کننده است هیچ جزئیات مشخص و روشنی ندارد. به همین ترتیب، ترامپ با شعار «ساختن دیوار» در مرز با مکزیک، می‌خواست به محدودیت و ممنوعیت مهاجرت به امریکا جامه عمل بپوشاند. شعار «دیوار» این وعده را می‌داد که برای بسیاری از مسائل سخت و پیچیده یک راهکار عملی ساده وجود دارد و حس روانشناختی ایجاد امنیت در مرزها را به رای‌دهندگان می‌داد. شعار ساختن دیوار همچنین با برخی از دیگر ایده‌های ترامپ مانند حمایت‌گرایی و وضع تعرفه‌های بالاتر همخوانی داشت و برای کسانی که از بازکردن مرزها و آزادی تجارت به علت جهانی‌شدن خشمناک بودند جذاب بود. ترامپ توانست این ایده‌های خود را خیلی خوب بفروشد و به ریاست جمهوری برسد.

<sup>1</sup> Narrative

<sup>2</sup> "Make America Great Again"

با این وجود باید انتخاب دونالد ترامپ را به ریاست جمهوری امریکا در هشتم نوامبر ۲۰۱۶ کاملاً غیرمنتظره دانست. اگرچه وی نامزد حزب جمهوریخواه بود به شکل سیاستمداری غریبه دیده می‌شد و با ارائه ایده‌ها و سیاست‌های التقاطی به مبارزه انتخاباتی پرداخت. چون ترامپ و بسیاری از اعضای کابینه انتصابی وی تجربه سیاسی یا حکومتداری ندارند، دشوار است که بتوان اولویت‌های سیاستگذاری اقتصادی دولت وی را پیش‌بینی کرد. با توجه به پیشینه و تجربه‌ای که ترامپ در املاک و مستغلات دارد و اسم و شهرتی که به عنوان یک تاجر علاقه‌مند به انجام معاملات سودآور به دست آورد، هنگام تدوین سیاست‌ها به چه اصولی پایبند خواهد بود؟ حدس و گمان‌های اولیه این بود که او رویکردی عمل‌گرایانه و اهل معامله را برخواهد گزید که بیشتر در پی مصالحه است تا پایبندی به اصول ایدئولوژیک.

این شماره از بولتن اقتصادی به پدیده ترامپ با تاکید بر اثرات اقتصادی انتخاب وی اختصاص یافته است و از سه بخش زیر تشکیل شده است. ابتدا به وعده‌های پوپولیستی ترامپ و اثرات آن بر اقتصاد امریکا و بقیه جهان توجه می‌شود. در بخش دوم دیدگاه برخی روشنفکران و اندیشمندان اقتصادی درباره خصوصیات شخصی و ابعاد شخصیتی ترامپ بررسی شده و چگونگی حفظ بقا در دوران ریاست جمهوری وی بررسی و به واقع‌بینی توصیه می‌شود. در بخش پایانی و مهم سوم درباره ابزارهای در اختیار ترامپ برای انتقام‌گیری تجاری و قدرتی که به پشتوانه قوانین در اختیار دارد هشدار داده می‌شود. سپس سه سناریوی احتمال وقوع جنگ تجاری تمام عیار، جنگ تجاری نامتقارن و جنگ تجاری ناکام مانده تحلیل می‌شود. با به قدرت رسیدن ترامپ، شاید مهمترین موضوع و چالش به آینده جهانی‌شدن و اینکه نظم اقتصادی جهان به کدام سمت و سو خواهد رفت مربوط باشد. در انتها نیز تبعاتی که سیاست‌های ترامپ بر اقتصاد امریکا و سایر کشورهای جهان از جمله اتحادیه اروپا و آلمان می‌گذارد مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲- وعده‌های پوپولیستی ترامپ و اثرات آن

### ۲-۱- ترامپ و تشدید پوپولیسم

یکی از وقایع نامنتظره در نیمه دوم سال ۱۳۹۵ که آثار گسترده و ادامه‌داری در پی خواهد داشت انتخاب دونالد ترامپ به عنوان ریاست جمهوری ایالات متحده و به قدرت رسیدن وی بود. آمریکا با سهم نزدیک به ۲۵ درصدی از تولیدات جهانی (بر اساس آمارهای سال ۲۰۱۵، اقتصاد امریکا بیش از ۱۸ تریلیون دلار از

اقتصاد ۷۵ تریلیون دلاری جهان را تشکیل می‌دهد)<sup>۱</sup>، هنوز هم بزرگترین اقتصاد جهان (البته به قیمت‌های دلار جاری بازار و نه شاخص برابری قدرت خرید) به حساب می‌آید و تصمیماتی که این کشور می‌گیرد اثرات زیادی بر همه کشورهای جهان می‌گذارد. خاصیت نظام‌های دموکراسی و مبتنی بر آرای اکثریت مردم این است که قدرت به صورت دوره‌ای به احزاب و اشخاص مختلف واگذار می‌شود. اما شواهد نشان می‌دهد اگر فهرستی از اشخاص مناسب برای ریاست جمهوری امریکا تهیه می‌کردیم و آنها از بیشترین تا کمترین ترجیح و درجه شایستگی مرتب می‌شدند، از دید بیشتر مردم جهان، قطعاً دونالد ترامپ در انتهای این فهرست جای می‌گرفت.

آمریکا تاکنون رئیس‌جمهوری به خود ندیده است که فاقد هرگونه تجربه سیاسی و نظامی باشد، کسی که خیلی عادی حقیقت را کتمان کند، به تئوری توطئه بچسبد و سرشار از تناقضات باشد. اما از همه مهمتر اینکه، بیشتر وعده‌هایی که ترامپ درباره تجارت خارجی، مهاجرت، مالیات‌ستانی، سلامت و درمان و چیزهای دیگر داده است، رفاه رأی‌دهندگان به وی را نه تنها افزایش نمی‌دهد بلکه حتی کاهش خواهد داد.

او که در مدت کوتاه به قدرت رسیدن نشان داده است قصد دارد به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند، در عرصه روابط خارجی با نادانی و بیرحمی ظاهر شده است، در دانش اقتصادی کاملاً بی‌اطلاع بوده و ویژگی‌های شخصیتی فاجعه‌باری دارد. نتیجه انتخابات، چهره جهانی آمریکا را به شدت مخدوش کرد و سیاست‌های خارجی ترامپ احتمالاً ریسک‌های جدی برای آسیا، اروپا و آمریکای لاتین دربر خواهد داشت. اما دلایلی نیز هست که سیاست‌های داخلی وی بیشتر حامیانش را سرخورده کند. در نتیجه شاید وی وسوسه شود بر آتش اختلافات هویتی (دینی و نژادی) بدمد، تفرقه را تشدید کند و احتمالاً ناآرامی داخلی به وجود آورد.

اینها همه نشانه‌های آشکار پوپولیسم است. متأسفانه در این مورد، ترامپ اصلاً تنها نیست. رهبران پوپولیست در ونزوئلا، ترکیه، مجارستان، لهستان و جاهای دیگر (حتی تا حدی در انگلستان پس از همه‌پرسی ماه ژوئن برای خروج از اتحادیه اروپا که به برگزیت معروف شد)<sup>۲</sup>، احساس می‌کنند با ادعای نمایندگی «اراده اصیل

<sup>۱</sup> World Bank Group; <http://data.worldbank.org/country/united-states>

<sup>۲</sup> درباره پشتیبانی گسترده توده‌ها از پوپولیسم -دیدگاه ناامنی اقتصادی- که بر پیامدهای تغییرات عمیق ناشی از جهانی‌شدن و تحول نیروی کار و جامعه در اقتصادهای پسا صنعتی تاکید می‌ورزد به منبع زیر نگاه کنید:

<https://www.cfr.org/interview/what-brexite-reveals-about-rising-populism>



مردم واقعی» این قدرت و اختیار را دارند که محدودیت‌های قانونی و حقوقی بر قدرت خویش را برداشته یا تضعیف کنند.

## ۲-۲- وعده‌های ترامپ چه بود؟

با اینکه نخستین ماه‌های ریاست جمهوری ترامپ هرج و مرج زیادی بوجود آورد برخی مضامین اصلی پدیدار شده است. سیاست اقتصادی ترامپ (اگر بتوان چنین نامی بر آن نهاد) رویکرد جدیدی برای بازتوزیع ثروت است که از طریق دستورات مبنی بر ایجاد مشاغل جدید و توجه ویژه به مناطق معینی از کشور امریکا تحقق می‌یابد. با اینکه شخص خاصی به عنوان معمار سیاست اقتصادی ترامپ دیده نمی‌شود و دولت وی فاقد یک طرح جامع اقتصادی است، اما می‌توان برخی موضوعات و زمینه‌های مشترک به شرح زیر را شناسایی کرد: ترامپ از همان ابتدا تهدید کرد که تعهدات مربوط به توافقات تجاری دیرپا را به هم می‌زند و موانع واردات به امریکا را بشدت افزایش می‌دهد. تهدیدات اصلی وی عبارت بودند از (۱) خروج از شراکت دو سوی اقیانوس آرام؛ (۲) تجدید مذاکره پیمان نفتا<sup>۲</sup> «تا معامله بسیار بهتری صورت بگیرد» یا در غیراین صورت خروج از این پیمان؛ و (۳) متهم کردن چین به دستکاری در نرخ ارز خود. به طور کلی‌تر، او وعده داد «هر گونه نقض توافقات تجاری یک کشور خارجی که به زیان کارگران ما استفاده می‌شود را شناسایی می‌کند و از هر ابزاری تحت قوانین امریکا و بین‌الملل برای پایان دادن به این سوءاستفاده‌ها استفاده می‌کند.»

او همچنین تهدید کرد اگر مکزیک و چین درست رفتار نکنند، تعرفه ۳۵ درصدی بر واردات قطعات خودرو مکزیکی و تعرفه ۴۵ درصدی بر همه واردات از چین وضع می‌کند. علاوه بر اینها او اظهار داشت که اگر این سیاست‌ها در سازمان تجارت جهانی به چالش کشیده شود «پس ما اقدام به تجدید مذاکره کرده یا از این سازمان خارج می‌شویم. ... سازمان تجارت جهانی یک فاجعه است.»

### <sup>1</sup> Trans-Pacific Partnership

پیمان تجاری اقیانوس آرام، یک توافق تجاری، سرمایه‌گذاری و مقررات گذاری بین ۱۲ کشور حاشیه اقیانوس آرام بجز چین است که در ۴ فوریه ۲۰۱۶ در اوکلند نیوزیلند بعد از ۷ سال مذاکره نهایی شده است. دوازده کشور در سرتاسر منطقه آسیا-اقیانوسیه در مذاکرات شراکت دو سوی اقیانوس آرام شرکت کرده‌اند: استرالیا، برونئی، کانادا، شیلی، ژاپن، مالزی، مکزیک، نیوزیلند، پرو، سنگاپور، ایالات متحده آمریکا، ویتنام، ایالات متحده آمریکا این پیمان را امضا کرده است. ترامپ پس از امضای این دستور اجرایی توسط اوباما، گفته بود: «مدت زمان زیادی راجع این مسئله گفت و گو کردیم. خروج از این پیمان ۱۲ کشوری، به سود کارگران آمریکایی خواهد بود.» وی در نوامبر ۲۰۱۶ اعلام کرد از این پیمان کنار خواهد نشست. او با امضای فرمان اجرایی در ۲۳ ژانویه کناره گیری آمریکا از این شراکت را اعلام کرد.

### <sup>2</sup> North American Free Trade Agreement:

قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی یک سازمان منطقه‌ای است که در ۱۹۹۴ پایه‌ریزی شد. این سازمان سه عضو دارد که عبارتند از آمریکا، کانادا، و مکزیک. طبق موافقتنامه نفتا تمام محدودیت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری میان کانادا، مکزیک و آمریکا در مدت ۱۵ سال بتدریج از بین می‌رفت. اکثر تعرفه‌های تجارت محصولات کشاورزی میان آمریکا و مکزیک به سرعت برداشته شد و تعرفه ۶ درصدی محصولات کشاورزی (شامل ذرت، شکر و برخی میوه‌ها و سبزی‌ها) در مدت ۱۵ سال حذف شد. تعرفه خواربار و منسوجات در مدت ده سال در هر سه کشور حذف شد. مکزیک قرار بود بخش مالی خود را به روی سرمایه‌گذاری آمریکا و کانادا بگشاید و تمام محدودیت‌ها برداشته شود.

رویگرد کلی که دولت ترامپ به کار گرفته است می تواند خسارت جدی به اعتبار نظام تجاری جهان برای سالهای متمادی وارد کند. دو عامل حکایت از جدی بودن این قضیه دارد. نخست، موجی از احساسات ملی گرایانه و پوپولیستی به راه افتاده است که بسیاری از مسائل اقتصادی پیش روی طبقات متوسط و کارگران شاغل را ناشی از تجارت بین الملل و مهاجرت می داند. دوم، در تهدیدهای متعدد طی کارزار انتخاباتی ترامپ یک اصل واحد وجود داشت: نظام جهانی فاسد و دستکاری شده است و امریکا باید با آن بجنگد. چنین دیدگاهی در برنامه اقتصادی انتخاباتی ترامپ مشهود بود که استدلال می کرد کسری تجاری امریکا نتیجه «رویه های تجاری ناعادلانه است و چین تنها کشور متقلب و متخلف نیست؛ بلکه بزرگترین آنها است.»

حتی اگر چیزی به نام اقتصاد ترامپی وجود داشته باشد بعید به نظر می رسد اثری مطلوب بر جامعه امریکا و جهان داشته باشد. نکته اینجاست اگر ترامپ قرار بود همان سیاست تجاری بین المللی را که برای کشور امریکا پیشنهاد می دهد در کسب و کار خویش نیز بکار برد، سال ها پیش ورشکست می شد. جالب اینکه وی در حالی از شعار «جنس امریکایی بخر» حمایت و تبلیغ می کند که تمام اجناس هتل هایش از محصولات ساخت کشورهای خارجی و وارداتی تشکیل شده است<sup>1</sup>. اقتصاد ترامپی بسیار تفرقه اندازانه است و به شکل کاملاً سیاسی عمل می کند. راهبرد وی به جای اینکه مبتنی بر اصول کارایی اقتصادی باشد تمرکز و هدف خود را روی طرفداران و موافقان خود در برابر دشمنان قرار داده است. اقتصاد ترامپی در مجموع بیش از آنکه شغل خلق کند، مشاغل را نابود می کند و بیش از همه به اعتبار و دامنه نفوذ جهانی امریکا خسارت شدیدی می زند، چرا که در موضوعات مهمی مانند تجارت خارجی و مهاجرت کمتر حاضر به همکاری با بقیه جهان خواهد بود. برنامه های ترامپ با کوتاه نگری، یکی از سرمایه های مهم امریکا به نام اعتبار و وجهه خارجی این کشور را خدشه دار کرده و رانتها و امتیازهای امریکا را به سمت مناطق مورد پشتیبانی این کشور بازتوزیع می کند.

پیروزی ترامپ «قدرت نرم» امریکا را که همیشه از آن بهره مند بوده است عمیقاً تضعیف کرد. این انتخابات، دیدگاهها و تمایلاتی را در ذهن جهانیان برانگیخت که هرگز به امریکا نسبت نمی دادند. ویژگی هایی مانند

<sup>1</sup> Trump's 'buy American' policy directly conflicts with how his own hotels operate  
<http://www.businessinsider.com/trump-hotel-imports-2017-1>  
Trump hotel rooms in D.C. have plenty of foreign-made goods  
<http://www.cbsnews.com/news/does-trump-international-hotel-buy-american/>

تبلیغ سیاست‌های حمایت‌گرایی، ترویج خشم و بیگانه‌هراسی، دشمنی با مهاجران و پناهندگان، بدبینی و خودخواهی. اینک از دید جهانیان، در عرصه سیاست آمریکا ترس به جای امید نشسته است و آمریکا هرگز دوباره همان آمریکای گذشته نخواهد بود.

ترامپ که با وعده عقب‌راندن موج جهانی‌شدن انتخاب شد، چه سیاست‌هایی را اجرا خواهد کرد؟ و احتمال موفقیت این سیاست‌ها چقدر است؟ نشانه‌های اولیه کاملاً نگران‌کننده است. ترامپ در کارزارهای انتخاباتی خود پیوسته وعده داد که تجارت خارجی را محدود می‌کند. کاملاً بدیهی است که چنین سیاستی باعث کاهش رفاه مصرف‌کنندگان آمریکایی، به خصوص کسانی که کم درآمد هستند، خواهد شد. این گروه از مصرف‌کنندگان نسبت به هم‌تایان ثروتمندتر خود، درصد بیشتری از درآمدشان را صرف خرید انواع کالاهایی می‌کنند که به لطف تجارت خارجی قیمت‌شان بسیار کاهش یافته است. در حالت حمایت‌گرایی آنها مجبور خواهند شد پول بیشتری بابت محصولات «ساخت آمریکا» پردازند که پیش از این از سایر کشورها وارد می‌شد. این سیاست به طور قطع با تلافی‌جویی شرکای تجاری آمریکا مواجه می‌شود و تقاضای خارجیان برای صادرات آمریکا را کاهش خواهد داد و با براف‌افتادن جنگ تجاری، احتمالاً رشد اقتصاد جهانی را کند خواهد کرد. علاوه بر این، با توجه به ارتباط متقابل اقتصادهای آمریکا و چین، سیاست‌هایی که تجارت با چین را محدود کند باعث قطع زنجیره ارزش بیشتر بنگاه‌های آمریکایی می‌شود که اتکای شدیدی به واردات نهاده‌های واسطه‌ای و مواد خام ارزان از چین دارند.

تا اینجای کار، تنها سیاستی که در این زمینه به اجرا درآمده است لغو و خروج آمریکا از شراکت دو سوی اقیانوس آرام است. جالب است که چین از این اقدام آمریکا حمایت کرد، چرا که احتمال جایگزینی چین به جای آمریکا وجود دارد تا قواعد مربوط به روابط تجاری در آسیا را راساً تعیین کند.

نکته مهمتر اینکه، حتی اگر سیاست‌های حمایت‌گرایانه ترامپ به اجرا درآید و صنایع کارخانه‌ای انگیزه لازم برای بازگشت به خاک آمریکا را پیدا کنند، اینها کارخانه‌های مدرن پیشرفته‌ای خواهند بود که به جای انبوه کارگران ساده یقه آبی، با ربات‌ها و تعداد نسبتاً اندک کارگر بسیار ماهر با دستمزد بالا به عنوان اپراتور، تکنسین و مهندس ماشین‌آلات مشغول کار خواهند شد. چنین شرایطی بعید است کمکی به سرنوشت کارگرانی بکند که در مناطق تاثیرپذیرفته از سیاست‌های تجاری زندگی می‌کنند.

## ۲-۳- تاثیر بر بقیه جهان

تعداد زیادی از ملیت‌های امریکای مرکزی و جنوبی به شکل قانونی و غیرقانونی در آمریکا زندگی می‌کنند و اگر سیاست‌های ترامپ عملی شوند همگی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. همه این کشورها از سیاست‌های حمایت‌گرایانه ترامپ نیز زیان خواهند دید. استراتژی بازگشت به حمایت‌گرایی گذشته و تلاش برای خنثی کردن رشد سایر ملت‌ها حرکتی غیرقابل دفاع بوده و اقتصاد جهانی را به سمت نزول و افول سوق می‌دهد. رویکرد مناسب، بازنگهداشتن مرزها بر روی ورود و خروج کالاها و انسان‌ها است با این پیش‌شرط که راهکارهایی برای کمک به کارگران داخلی که از پیشرفت فنی، تجارت یا سایر چالش‌ها آسیب دیدند اندیشیده شود. چنین سیاست‌هایی مفید هستند اما جای تاسف است که با آمدن ترامپ اینها آن چیزهایی نیستند که خواهیم دید. واردات کالاهای رقیب داخلی معمولاً اثر جغرافیایی دارد، یعنی بر صنایع تمرکز یافته در مناطق خاص تاثیر منفی می‌گذارد. بهترین واکنش، ترکیبی از کمک به جوامع تاثیرپذیرفته برای ایجاد منابع جدید اشتغال و کمک به کارگران است تا مهارت و شغل جدید بیابند. واردات ارزان اگرچه عده‌ای را بیکار کرده، اما منافع زیادی برای مصرف‌کنندگان داخلی و کارگران خارجی داشته است. رویکرد درست، اقدام کردن نه به شکل تدافعی بلکه فعال و همراه با ابتکار عمل باید باشد: بازارهای جهانی را باز و رقابتی نگهداریم؛ کشورهای که مازاد تجاری عظیم دارند (مانند چین) را مجبور کنیم با بکارگیری سیاست‌های پولی و مالی انبساطی، باعث تشویق و گسترش تقاضای داخلی شود و اتکای کمتری به تقاضای خارجی (صادرات) داشته باشد؛ به کارگران و جوامع داخلی که از تجارت زیان دیده‌اند و بیکار شده‌اند به شیوه‌های مختلف، مانند حمایت‌های اجتماعی و آموزش مهارت‌های نو، کمک کنیم نه اینکه به حال خود رهاشان سازیم؛ از متهم کردن خارجی‌ها به اینکه مرتکب جرم فروش کالاهای ارزان شدند دست برداریم.

راهبرد درست می‌تواند این باشد که «امید به بهترین‌ها داشته باشیم اما خود را برای بدترین‌ها آماده کنیم». با توجه به تز ترامپ که می‌گوید «اولویت اصلی آمریکا است» و به زعم خود اولویت را تنها به منافع آمریکا می‌دهد و می‌خواهد شراکت‌های قدیمی و نظم بین‌المللی را به هم بزند، پس زمینه برای اتحاد و همکاری سایر کشورها با همدیگر فراهم‌تر است.

اتحادیه اروپا و چین اینک می‌توانند وزن خویش را در برابر آمریکا افزایش دهند. از اتحادیه اروپا با کشورهای متفرق‌شده‌ای که به شکل فعلی توانایی اندکی برای نفوذگذاری بر آمریکا دارد انتظار می‌رود با همدیگر متحد شوند و در زمینه‌های مختلف مانند سیاست رقابتی و تعرفه‌ها از موضع قدرت با آمریکا برخورد کنند.

از چین هم که به تدریج به قدرت اول اقتصادی جهان تبدیل می‌شود انتظار این است که هزینه‌های بیشتر نسبت به گذشته بابت ابرقدرت شدن خود بپردازد. به عبارت دیگر قدرت‌های برتر جدید جهانی مانند چین و هند، که جای آمریکا را پر می‌کنند باید هزینه‌های تولید و عرضه کالاهای عمومی جهانی از قبیل کمک به ایجاد امنیت جهانی و تشویق به تعامل و تشریک مساعی کشورها را بپذیرند و تمام این هزینه‌ها بر دوش آمریکا نیفتند.

### ۳- خصوصیات ترامپ و شرایط جدید

#### ۳-۱- سه ترامپ: دوست پوتین، حداکثرکننده ثروت و عوام‌فریب (جفری ساکس)<sup>۱</sup>

در تاریخ اخیر جهان هرگز شاهد تغییر رهبر یک کشور همانند به قدرت رسیدن ترامپ به ریاست جمهوری کشور آمریکا نبوده‌ایم که تا این حد توجه و گمانه‌زنی‌ها را به سوی خود جلب کند. برای درک این قضیه که چنین تغییر رهبری چه معنایی خواهد داشت و از چه چیزهایی حکایت دارد باید از سه راز پرده‌برداری کرد چون که در واقعیت امر، سه نوع ترامپ وجود دارد.

نخستین ترامپ، دوست ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه است. شور و شوقی که ترامپ برای پوتین نشان می‌دهد سازگارترین بخش از شعارها و سخنرانی‌های وی بوده است. با وجود دیدگاه جهانی ترامپ که آمریکا را قربانی قدرت‌های خارجی (مانند چین، مکزیک، ایران و اتحادیه اروپا) می‌داند، اشتیاق و علاقه‌ای که ترامپ نسبت به پوتین نشان می‌دهد کاملاً واضح است.

البته درباره ارتباط ترامپ با پوتین، دو دیدگاه وجود دارد. گروهی ترامپ را تحسین‌کننده ساده‌لوح مردان قدرتمندی مانند پوتین می‌دانند و گروهی دیگر وی را ابزار دست سرویس‌های اطلاعاتی روسیه به مدت زمان طولانی معرفی می‌کنند. تقریباً بطور قطع ماجرای پشت پرده‌ای در این میان وجود دارد که اگر برخی شایعات عجیب تایید گردد می‌تواند دولت ترامپ را نابود کند. حجم عظیمی از شواهد با جزئیات کامل نشان می‌دهد که ترامپ به مدت چندین دهه با پول روس‌ها حمایت می‌شده است. الیگارش‌های روسیه به کمک ترامپ آمده و وی را از ورشکستگی شخصی نجات داده است و یکی از آنها حتی به تعدادی از مکان‌های کارزارهای انتخاباتی ترامپ سفر کرده است و شاید به عنوان واسطه از سوی کرملین عمل می‌کرده است. و بسیاری از اعضای ارشد تیم ترامپ (شامل پل مانافورت<sup>۲</sup> نخستین مدیر کارزار انتخاباتی وی؛ مایکل فلین<sup>۱</sup>

<sup>1</sup> Jeffrey Sachs

<sup>2</sup> Paul Manafort

مشاور امنیت ملی به تازگی خلع شده وی؛ رکس تیلرسون<sup>۲</sup> مدیر عامل سابق اگسان موبیل و وزیر خارجه فعلی وی؛ و ویلبر راس<sup>۳</sup> یکی از غول های صندوق های پوشش دهی ریسک و وزیر بازرگانی وی) همگی معاملات تجاری مشهودی با روسیه یا الیگارش های روسی داشته اند.

نسخه دوم ترامپ، تاجری حریص و طماع است. به نظر می رسد ترامپ قصد دارد ریاست جمهوری را به منبع دیگری از ثروت شخصی تبدیل کند. ترامپ برخلاف تمام هنجارهای پیشین، و با نقض معیارهایی که اداره دولت را به شکل اخلاقی ایجاب می کند، امپراتوری تجاری خود را حفظ کرده است و اعضای خانواده وی در تلاش هستند از نام تجاری ترامپ برای سرمایه گذاری های جدید در اطراف جهان بهره برده و سود بیشتری کسب کنند.

سومین ترامپ فردی پوپولیست و عوام فریب است. ترامپ زنجیره و رشته ای بدون توقف از دروغ ها است که رسالت رسانه های خبری در تصحیح سخنان وی و اطلاع رسانی درست به مردم را با اتهام «اخبار کذب» به نحو بی ادبانه ای بی ارزش می کند. برای نخستین بار در تاریخ مدرن امریکا، رئیس جمهور به نحو تهاجمی مطبوعات را شیطانی و تهدیدکننده توصیف می کند. برای نمونه کاخ سفید از حضور نیویورک تایمز، سی ان ان، لوس آنجلس تایمز و پولیتیکو در نشست خبری سخنگوی مطبوعاتی جلوگیری کرده است.

برخی تفسیرها می گویند عوام فریبی ترامپ در خدمت استفان بانن<sup>۴</sup> استراتژیست اصلی وی است که از دیدگاه تاریک اندیشه ای مبنی بر یک جنگ قریب الوقوع تمدن ها دفاع می کند. ترامپ با رساندن ترس به بالاترین سطح ممکن، هدف خود را ایجاد ناسیونالیسم خشن و عظمت بخشی به امریکا اعلام کرده است. هرمان گورینگ<sup>۵</sup> (از برجسته ترین چهره های حزب نازی در آلمان) فرمول چنین کاری را به طرز وحشتناکی از سلول زندان خود پس از جنگ جهانی دوم چنین تبیین کرد «مردم را همیشه می توان تابع دستورات و خواسته های رهبران کرد. این کار راحتی است. فقط کافی است به مردم بگویید که آنها مورد حمله قرار گرفته اند و طرفداران صلح را به خاطر نداشتن حس وطن پرستی و کشور را در معرض خطر انداختن تقبیح کنید. چنین روشی در هر کشوری نتیجه می دهد.»

<sup>1</sup> Michael Fellin

<sup>2</sup> Rex Tillerson

<sup>3</sup> Wilbur Ross

<sup>4</sup> Stephen Bannon

<sup>5</sup> Hermann Göring

نظریه دیگر اینست که هر سه ترامپ- دوست پوتین، حداکثرکننده ثروت، و عوام فریب- واقعاً یک ترامپ هستند: ترامپ تاجر که مدت زمانی طولانی از سوی روس ها حمایت می شده است، و از وی برای سال های زیادی به عنوان یک پوشش برای عملیات پول شویی خود استفاده می کردند و حالا رئیس جمهور شده است. عوام فریب ها دوام می آورند چون پشتیبانی عمومی را دارند و سعی می کنند از طریق توسل به حرص و آز، ملی گرایی، وطن پرستی، نژادپرستی و ترس و وحشت این پشتیبانی را حفظ کنند. آنها پول های نقد و منافع با عمر کوتاه به شکل کاهش مالیات ها و پرداخت های انتقال درآمدی را به هواداران خویش نشان می دهند که از محل انباشته شدن بدهی عمومی و باقی گذاشتن صورت حساب پرداختی برای نسل های آتی تامین می گردد. ترامپ تاکنون پولدارهای امریکایی را از طریق وعده های کاهش غیرقابل دوام مالیات راضی نگه داشته است، در حالیکه با صدور فرمان های اجرایی برای اخراج مهاجران غیرقانونی و ممانعت از ورود کشورهای اکثریت مسلمان، توجه پیروان طبقه کارگر سفید پوست را به سمت خود جلب کرده است.

هیچکدام از این کارها، نتوانسته است ترامپ را خیلی محبوب نگهدارد. نرخ تایید و میزان محبوبیت وی برای یک رئیس جمهور جدید در سطح پایین و بی سابقه حدود ۴۰ درصد قرار داشت و تقریباً ۶۰ درصد پاسخ دهندگان دست رد به سینه وی زدند. چالش های قضایی برای اقدامات اجرایی وی، جنگ با رسانه ها، تنش هایی که از افزایش کسری بودجه بوجود می آید و افشاگری های جدید درباره ترامپ و روسیه، این دیگ جوشان را همچنان پرغلیان نگه می دارد و پشتیبانی عمومی از ترامپ ممکن است به سادگی از بین برود.

در آن صورت احتمال بیشتری می رود که رهبران جمهوریخواه حملات به وی را شروع کنند. اما به هیچ وجه نباید تمایل یک عوام فریب به استفاده از ترس و خشونت- حتی جنگ- را برای بیشتر در قدرت ماندن دست کم گرفت. و اگر پوتین حقیقتاً پشتیبان و شریک وی است، وسوسه های ترامپ برای چنین کارهای خطرناکی قوی تر خواهد بود.

### ۳-۲- واقع بینی درباره ترامپسیسم (یوشکا فیشر)<sup>۱</sup>

با گذشت چند ماه از به ریاست جمهوری رسیدن دونالد ترامپ، روشن شده است که هیچ نکته و حرکت خوبی از ریاست جمهوری وی نمی توان انتظار داشت. بدبختانه، مشخص گردید که بدبین ها همان واقع بین ها بوده اند: اوضاع واقعا به همان بدی خواهد بود که آنها گفته بودند. سناریوهای بدترین حالت، اینک

<sup>1</sup> Joschka Fischer



سناریوهای حالت مبنا شده‌اند. هر امیدی به اینکه شرایط واقعی در زمان به قدرت رسیدن، یا واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی، ترامپ را وادار به رعایت هنجارهای سیاست داخلی و خارجی متعارف کند اینک باید به عنوان آرزوهای محال کنار گذاشته شود.

واقع‌بینی، پذیرش یک حقیقت بنیادی را می‌طلبد. هنگامی که چهل و پنجمین رئیس جمهور امریکا باید بین تقویت قانون اساسی امریکا- که اقتدار وی را به واسطه تفیک قوا محدود می‌کند- یا که تضعیف آن یکی را انتخاب کند، او به احتمال زیاد دومی را انتخاب می‌کند. دولت ترامپ قصد دارد به چیزی کمتر از تغییر رژیم در واشنگتن رضایت ندهد.

دیر یا زود، اصطکاک بین رئیس جمهور و نظام قانون اساسی، یک بحران شدید ایجاد خواهد کرد که هسته نظام را نشانه می‌رود و احتمالاً از نظر سیاسی غیرقابل تشخیص با گذشته خواهد بود. حملات مداوم ترامپ به قوه قضائیه و مطبوعات- نهادهای ضروری برای تضمین پاسخگویی قوه مجریه- هیچ جایی برای تفسیر متفاوت باقی نمی‌گذارد.

حتی اگر نظام قانون اساسی امریکا برقرار و حاکم بماند، هرج و مرجی که طی ریاست جمهوری ترامپ به دنبال خواهد آمد باعث خسارات دائمی می‌شود. اگر در این زمان پرآشوب یک حمله تروریستی به امریکا رخ دهد چه پیامدی خواهد داشت. آیا امریکا به بهانه این اتفاق به دام اقتدارگرایی افتادن را تجربه می‌کند مشابه آنچه هم اکنون در ترکیه و خودکامگی‌های رجب طیب اردوغان در حال وقوع است؟ قطعاً باید امیدوار بود که چنین نشود اما این یک احتمال و امکان واقعی است.

حوزه روابط بین‌المللی، تاکنون از نقض ناگهانی اتحادهای موجود و تعهدات مرتبط در امان بوده است. اما مادامی که ترامپ راهبرد انزواطلبانه و حمایت‌گرایانه «عظمت یافتن امریکا» را تعقیب می‌کند، این اتحادها و تعهدات در معرض خطر خواهند بود.

بحران قانون اساسی در امریکا، تغییر پارادایم از جهانی‌شدن به سمت حمایت‌گرایی، و سیاست‌های امنیتی انزواگرایانه جدید، بر ازهم گسیختگی جدی نظم بین‌الملل دلالت دارد و هیچ نظم مشابهی نیز در افق دیده نمی‌شود. اگر اوضاع خوب پیش برود، بی‌ثباتی مزمن حاکم خواهد بود؛ اگر نه، برخورد و حتی درگیری نظامی به امری عادی تبدیل می‌شود.



هنگامی که ترامپ نظم موجود جهانی را به هم می‌ریزد، اروپا ضربات این شوک‌ها را متحمل خواهد شد. پس از جنگ جهانی دوم، اروپای غربی قادر به شکوفایی شد چون دو وعده بزرگ از سوی امریکا وجود داشت: حمایت نظامی در برابر تهدید اتحاد شوروی و تشویق به تجارت آزاد. اما اکنون، در شرایطی که همه اروپا زیر تهدید فزاینده انتقام‌گیری روسیه قرار دارد، تمایلی به ایفای نقش‌های پیشین خود ندارد. در همین اثنا، زخم‌های شدیدی که اتحادیه اروپا به خود وارد کرده است، آشکارا چنان ضعیف‌شده است که قادر به بسط و توسعه یک الگوی جایگزین برای وضع موجود و رو به ویرانی خویش نیست.

اتحادیه اروپا نیاز شدیدی به توسعه ابزارهایی برای دفاع از خویش در برابر هر دو تهدیدهای درونی و بیرونی دارد تا منطقه یورو را تثبیت کند، و آرامش و عقلانیت را در مذاکرات بعدی برگزیت با انگلستان تضمین نماید. برگزیت این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که برای دفاع چندجانبه، جنگ علیه تروریسم و حمایت از مرزها وجود همکاری ضروری است.

تردیدی نیست که اتحادیه اروپا نباید هر چیزی که این اتحادیه با ۲۷ دولت عضو باقیمانده را به خطر می‌اندازد قبول کند. اما مذاکره‌کنندگان در هر دو طرف باید همچنین مراقب باشند که از هر گونه نتیجه‌ای که روابط انگلستان و اتحادیه اروپا را تا بی‌نهایت می‌تواند سمی کند پرهیز کنند. همانطور که تجربه به ما تعلیم می‌دهد، زندگی حتی پس از طلاق ادامه می‌یابد. منافع مشترک اروپا باقی خواهد ماند و اکنون آنها شامل مدیریت ریسک‌هایی است که رئیس‌جمهور جدید نافرمان امریکا ایجاد می‌کند.

### ۳-۳- چگونه حفظ بقا در عصر ترامپ (جوزف استیگلیتز)<sup>۱</sup>

در مدت کوتاهی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا شده است موفق به گسترش هرج و مرج و نااطمینانی (و درجه‌ای از ترس و هراس که روی هر تروریستی را سفید می‌کند) با آهنگی سرگیجه‌آور شده است. تعجبی ندارد که شهروندان و رهبران در حوزه کسب و کار، جامعه مدنی و دولت تلاش می‌کنند تا به نحوی مناسب و ثمربخش واکنش نشان دهند.

هر اظهار نظری درباره مسیر پیش رو لزوماً موقتی است چون که ترامپ هنوز مقررات مفصل خود را پیشنهاد نداده است و کنگره و دادگاه‌ها بطور کامل در برابر رگبار فرمان‌های اجرایی وی واکنش نشان ندادند. اما تشخیص نااطمینانی، توجیهی برای انکار آن نیست.

<sup>1</sup> Joseph Stiglitz

برعکس، اینک روشن است که آنچه ترامپ می‌گوید و توییت می‌کند باید جدی گرفته شود. پس از انتخابات در ماه نوامبر، امید تقریباً همگانی وجود داشت که او هر گونه افراط‌گرایی را که در کارزارهای انتخاباتی‌اش نشان می‌داد به کناری می‌گذارد. قطعاً این تصور وجود داشت که این استاد خیال‌پردازی و توهم‌هنگامی که مسئولیت سنگین - آنچه اغلب قدرتمندترین منصب در جهان نامیده می‌شود - در دست می‌گیرد شخصیتی متفاوت بر خواهد گزید.

با انتخاب هر رئیس‌جمهور جدید، رای‌دهندگان تصویر خود از آنچه دوست دارند او باشد ترسیم می‌کنند. اما ترامپ جایی برای تردید باقی نگذاشت که قصد دارد هر آنچه را گفته است اجرا کند: ممنوعیت مهاجرت مسلمانان، کشیدن دیوار در مرز با مکزیک، تجدید مذاکره توافق تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا)، لغو اصلاحات مالی داد-فرانک ۲۰۱۰، و بسیاری چیزهای دیگر که حتی حامیانش هم تایید نمی‌کنند.

با اینکه گاهی اوقات به جنبه‌ها و سیاست‌هایی خاص از نظم اقتصادی و امنیتی ایجاد شده پس از جنگ جهانی دوم شامل سازمان ملل، ناتو، اتحادیه اروپا و شبکه‌ای از دیگر نهادها و مناسبات انتقاداتی وجود دارد، اما تفاوتی بزرگ است بین تلاش به اصلاح این نهادها و مناسبات تا که توانایی خدمت کردن آنها در جهانی بهتر افزایش یابد تا اینکه دستوری داده شود که سعی در نابود کردن یکسره آنها دارد.

ترامپ جهان را برحسب یک بازی حاصل جمع صفر می‌بیند. در واقعیت امر، جهانی‌شدن، اگر به خوبی مدیریت شود، یک نیروی حاصل جمع مثبت است: امریکا نفع می‌برد اگر که دوستان و متحدانش - حال چه استرالیا، اتحادیه اروپا یا مکزیک - قوی‌تر بشوند. اما رویکردی که ترامپ در پیش گرفته است تهدید می‌کند این نیرو را به بازی حاصل جمع منفی تبدیل کند: امریکا نیز در کنار سایر کشورها در این بازی ترامپ زیان خواهد دید.

این رویکرد از همان سخنرانی معارفه وی به ریاست جمهوری آشکار بود، که از تکرار شعار «امریکا در اولویت است» با لحن فاشیستی تاریخی، بر تعهد خود به زشت‌ترین طرح‌هایش صحنه گذاشت. دولت‌های پیشین امریکا همیشه مسئولیت خویش برای پیشبرد منافع امریکا را جدی می‌گرفتند. اما سیاست‌هایی که آنها دنبال می‌کردند معمولاً برحسب درکی روشن از منافع ملی بود. آنها باور داشتند که امریکایی‌ها نیز از اقتصاد

<sup>1</sup> قانون اصلاح وال‌استریت و حفاظت مصرف‌کننده که ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۰ به امضای باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، رسید و تغییرات بسیاری را بر رویه‌های مربوط به شرکت‌های مالی و غیر مالی آمریکا تحمیل کرده است. این قانون ۱۶ سرفصل دارد و همه جنبه‌های صنعت خدمات مالی آمریکا را تحت تاثیر قرار داده است.

جهانی پررونق تر و شبکه اتحاد بین کشورهای متعهد به دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون منتفع می‌شوند.

اگر نقطه‌ای روشن در آمدن ترامپ وجود داشته باشد، حس همبستگی جدید بر سر ارزش‌های کلیدی از قبیل مدارا و برابری است، که با آگاهی از نژادستیزی و زن‌ستیزی، که ترامپ و تیم وی چه به شکل پنهانی یا آشکار، تجسم آن هستند حفظ می‌گردد. و این همبستگی به شکل جهانی درآمده است که ترامپ و متحدان وی با انکار و اعتراض در سراسر جهان دموکراتیک مواجه هستند.

به همین ترتیب، در سراسر امریکا، کارمندان و مشتریان شرکت‌ها شروع به ابراز نگرانی و اعتراض نسبت به مدیران عامل و اعضای هیات مدیره‌هایی کردند که از ترامپ حمایت می‌کنند. حقیقتاً برخی رهبران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران از حامیان ترامپ شده‌اند. در نشست امسال مجمع جهانی اقتصاد در داووس، تعداد زیادی از مدیران عالی در سخنان خود از وعده‌های ترامپ برای کاهش مالیات و مقررات‌زدایی اغوا شده بودند، به طوری که هیچ اشاره‌ای به روحیه وی در حمایت‌گرایی و عدم تحمل‌پذیری مخالفان نکردند.

حتی نگران‌کننده‌تر از این ازدست دادن شجاعت است: واضح است که تعداد زیادی از مدیران شرکت‌ها نگران واکنش ترامپ هستند و در نتیجه می‌ترسند صدایشان را بلند کنند که مبادا خود (و قیمت سهام شرکت‌هایشان) هدف یک پیام تویتری از سوی ترامپ شوند. ایجاد ترس گسترده یک نشانه از رژیم‌های اقتدارگرا<sup>۱</sup> است و اکنون آن را در امریکا برای اولین بار در زندگی خود می‌بینیم.

نتیجه اینکه اهمیت حاکمیت قانون، که زمانی برای بیشتر امریکایی‌ها مفهومی انتزاعی بود اینک کاملاً عینی و ملموس شده است. تحت حاکمیت قانون، اگر دولتی واقعاً می‌خواهد جلوی برون‌سپاری و تجارت خارجی را بگیرد باید ابتدا قوانینی را به تصویب برساند و مقرراتی را برگزیند تا انگیزه‌های مناسب بوجود آورد و رفتار نامطلوب را مانع شود. در محیطی که قانون حاکم باشد، سعی در ایجاد ترس و تهدید بنگاه‌های خاص نمی‌شود یا پناهندگان مضطرب و زخم‌خورده به عنوان تهدید امنیتی معرفی نمی‌شوند.

رسانه‌های معتبر امریکا مانند نیویورک تایمز و واشنگتن پست، تاکنون از عادی جلوه دادن انکار ارزش‌های امریکایی از سوی ترامپ خودداری کرده‌اند. این شرایطی عادی برای امریکا نیست که رئیس‌جمهور شروع به رد کردن استقلال قضایی می‌کند؛ بالاترین پست‌های نظامی و اطلاعاتی در هسته سیاستگذاری امنیت ملی

<sup>1</sup> Authoritarian regimes

را با هواداران راست افراطی خود جایگزین می‌کند؛ و در مواجهه با آخرین آزمایش موشک بالستیک کره شمالی، شروع به تبلیغ کسب و کار دختر خویش می‌کند. یکی از چالش‌های اصلی در عصر جدید، این خواهد بود که هشیار باقی ماند و هر زمان و هر جا که لازم بود مقاومت کرد.

### ۳-۴- چگونه ترامپ در حال به بازی گرفتن دموکراسی است (کوچی هامادا)<sup>۱</sup>

با توجه به مواضع نگران‌کننده و رفتار اغلب عجیب و غریب دونالد ترامپ با سیاستمداران و رسانه‌ها، متحدان و دشمنان خود، رهبران جهان ظاهراً نمی‌دانند چگونه روابط خود را با وی تنظیم کنند. ترامپ نه فقط آداب سیاسی مرسوم را به چالش می‌کشد بلکه بنیان‌های دموکراسی امریکایی را به بازی می‌گیرد. ترامپ عمدتاً به یک دلیل انتخاب شد: درصدی قابل توجه از رای‌دهندگان امریکایی از وضع اقتصاد و سیاستمدارانی که بر آن نظارت می‌کردند ناراضی و معترض بودند. جهانی‌شدن به معنای اشاعه و انتشار جریان کار، کالا، خدمات، پول، اطلاعات، و فناوری در سطح جهان، به هر کسی به استثنای آنها نفع رسانیده است.

این رای‌دهندگان یک استدلال هم داشتند. درحالی‌که جهانی‌شدن و تجارت آزاد، پتانسیل خلق ثروت در کل اقتصاد جهانی را دارد اکنون تنها ثروتمندترین‌ها بوده‌اند که سهمی عظیم و نامتناسب از منافع را به دست آورده‌اند. در امریکا، درآمد یک درصد ثروتمند بالایی جامعه در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۳ به میزان ۱۳۸ درصد افزایش یافت درحالی‌که دستمزد ۹۰ درصد پایینی تنها ۱۵ درصد رشد کرد.

اکنون شکاف واضحی بین کارگران درگیر مشکلات روزمره زندگی در منطقه به اصطلاح کمربند زنگ‌زده<sup>۲</sup> و میلیاردرهای بسیار موفق سیلیکون ولی و وال استریت وجود دارد. تنها کسانی که از بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸ بدون ضرر بیرون آمدند ظاهراً همان کسانی بودند که باعث آن بحران شدند.

ترامپ در کارزار انتخاباتی خود از این شکاف و فاصله به نفع خود بهره‌برداری کرد. او از ترس و دل‌نگرانی‌های این گروه خاص از خانوارهای طبقه کارگر استفاده کرد و به آنها اطمینان داد که خشم و غضبشان را نه صرفاً به سمت ثروتمندان (مانند خود ترامپ) بلکه به سمت «تشکیلات» هدایت کنند یعنی سیاستمداران جریان اصلی که معلوم شده است با وال استریت سر و سری دارند. برای یک سیاستمدار بیرون

<sup>1</sup> Koichi Hamada

<sup>2</sup> Rust Belt:

منظور مناطقی از امریکا که دارای صنایع فولاد و خودروسازی رو به افول، کارخانجات قدیمی، و جمعیت در حال کاهش هستند.

از ساختار قدرت که سیاستمدار وابسته به تشکیلات (هیولاری کلینتون دموکرات) را به چالش می کشد این تاکتیک موثری بود.

اما اینک انتخابات پایان یافته است و وقت آن رسیده است که ترامپ به مردمی که او را انتخاب کردند کمک کند. اما هنوز روشن نیست که او چگونه می خواهد به آنها کمک کند و آیا واقعا چنین قصدی دارد یا خیر. در واقع، اگر ترامپ بخواهد به شعارهای انتخاباتی خود عمل کند، درنهایت به این گروه از مردم- و بسیاری گروه های دیگر- ضررهای حتی بیشتری می زند.

ترامپ در زمان کارزار انتخاباتی برای جلب حمایت مردم، اغلب به دنبال یافتن مقصران (خصوصا مهاجران و صادرکنندگان اصلی جهان در حال توسعه از قبیل چین و مکزیک) بود. اما مشکل اینجاست که اتوماسیون خطوط تولید و نه برونسپاری یا مهاجران بود که باعث بیکار شدن کارگران صنایع کارخانه ای صنعتی در امریکا شد

منظور اینکه اگر ترامپ به وعده های انتخاباتی خود عمل کند مثلا جلوی ورود مهاجران را بگیرد و تعرفه بالایی بر واردات ببندد واقعا مشکلی را حل نمی کند. او با چنین کارهایی باعث تلافی جویی از سوی شرکای تجاری اصلی خود از قبیل چین خواهد شد که در نهایت باعث وارد شدن زیان به کل اقتصاد جهانی و خود امریکا می شود.

رویکرد بهتر تمرکز بیشتر بر بهبود مدیریت جهانی شدن است به جای اینکه تلاش کنیم جهانی شدن اقتصادها را کاهش دهیم. ترامپ برای شروع کار، می توانست انگیزه های قوی تر برای جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش های اساسی اقتصاد امریکا مثل صنایع خودروسازی و بهبود زیرساخت ها ایجاد کند.

مدیریت کارآمد نیروهای جهانی شدن همان شیوه ای است که ژاپن با بکارگیری آن از بخش های آسیب پذیر اقتصاد خود حمایت کرد. گشودن درهای تجارت خارجی به روی محصولات کشاورزی باعث کاهش قیمت مواد غذایی و بهبود قابل توجه سطح زندگی ژاپنی های معمولی شد در عین حال که می توانست خیلی راحت به کشاورزان ژاپنی آسیب بزند. خوشبختانه دولت ژاپن این ریسک را تشخیص داد و گام هایی برداشت تا از کشاورزان خود از جمله در مذاکرات توافق تجاری شراکت دو سوی اقیانوس آرام حمایت کند (که اینک ترامپ کل این توافق را رد می کند).

در برابر چنین پیشینه‌ای است که جلسات ترامپ با نخست وزیر ژاپن دلایلی از امیدواری بوجود می‌آورد که مقامات امریکایی هم از چنین رویکردی پیروی کنند. اشکال کار این است که حتی اگر ترامپ ارزشی در این کار ببیند، ممکن است بخواهد مدیریت آن را به شیوه خاص خود پیش ببرد. او تاکنون نشان داده است معاملات شخصی دوجانبه را به دیپلماسی رسمی چندجانبه ترجیح می‌دهد مشابه همان روشی که کسب و کار شخصی خود را پیش می‌برد.

در نظام دموکراسی، چنین معاملات شخصی لزوماً نتیجه نمی‌دهد. حل موضوعات پیچیده و اغلب مناقشه‌انگیزی که بوجود می‌آید نیازمند توافقات گسترده است و تضمین این توافقات مهم مستلزم داشتن اصول کلی روشن است. خوشبختانه همانطور که ترامپ به‌زودی خواهد فهمید، قانون اساسی امریکا چنین اصولی را در اختیار می‌گذارد.

در دموکراسی‌های غربی، قانون اساسی قانون برتر زمینی است که بر هر قانون دیگری مقدم است. همین قضیه در مورد امریکا صادق است. نویسندگان قانون اساسی امریکا با تمرکز بر نهادهای نظارت و توازن<sup>۱</sup>، یک نوع سوپاپ اطمینان برای نظام سیاسی ایجاد کردند تا آن را در برابر شوک‌های غیرمنتظره ناشی از هر کدام از بخش‌های متعدد آن حمایت کند. در واقع خود ترامپ یک شوک غیرمنتظره است و این سوپاپ اطمینان، یعنی خود قانون اساسی امریکا اینک مورد آزمون قرار گرفته است.

حقوق قانونی برای آزادی بیان و برگزاری آرام تجمعات همچنان محترم است و در مقیاسی گسترده اعمال می‌شود. دادگاه‌ها در برابر ترامپ سر فرود نیاموردند که مهمترین مورد رد فرمان اجرایی وی برای ممنوعیت ورود شهروندان از هفت کشور اکثریت مسلمان به امریکا بود. اما آزمون دموکراسی هنوز تمام نشده است. مردم و رهبران کشورها باید به دفاع از دموکراسی ادامه دهند و دادگاه‌ها باید استقلال خود را حفظ کنند. اینک کل جهان روی این آزمون حساب می‌کند.

#### ۴- ترامپ، جنگ تجاری و تبعات آن برای اقتصاد امریکا

##### ۴-۱- انتقام‌گیری تجاری ترامپ

درحالی‌که دونالد ترامپ وعده داده است در حوزه سیاستگذاری اقتصادی از رویکرد «اولویت دادن به امریکا» پیروی می‌کند، ساده‌انگارانه و حتی همراه‌کننده است که این رویکرد را صرفاً حمایت‌گرایی توصیف کرد. در

<sup>1</sup> Checks and balances

عوض شیوه عمل ترامپ انتقام‌جویانه است، همانگونه که وی در سخنرانی مراسم معارفه خود بر آن تأکید کرد: «ما باید مرزهای خود را در برابر آسیب‌های وارده از سوی سایر کشورها حمایت کنیم. کشورهایی که محصولات ما را می‌سازند، شرکت‌های ما را می‌دزدند و مشاغل ما را نابود می‌کنند.»

ترامپ بر این باور است که اقتصاد جهانی علیه آمریکا بسیج شده است و او می‌خواهد قوانین حاکم بر اقتصاد جهانی را به شکل بنیادی تغییر دهد. اما اینکه چنین انتقام‌گیری در عمل چگونه به نظر خواهد رسید اصلاً روشن نیست. ترامپ هنگام کارزار انتخاباتی گفت که او آماده وضع تعرفه‌های جامع و شدید بر کالاهای وارداتی است. اما روشن است که وقوع چنین اتفاقی کاملاً بعید است. پایان دادن به توافقات تجاری موجود، یا کنار گذاشتن قواعد تجارت جهانی که مانع افزایش یکطرفه تعرفه‌ها توسط آمریکا می‌شود، دعوت به جنگ تجاری است که پیامدهای اقتصادی آنی و زیانباری به دنبال خواهد داشت. باورش دشوار است که کنگره آمریکا اجازه این کار را بدهد.

در سناریوی واقع بینانه‌تر، دولت جدید چهار ابزار دیگر را بکار خواهد گرفت.

(۱) نخستین سناریو استفاده از راه علاج‌های تجاری از قبیل عوارض ضد دامپینگ است که معمولاً برای مقابله با رویه‌های تجاری ناعادلانه بکار می‌رود. اما این راه‌حل‌های تجاری به آسانی قابل سوءاستفاده از سوی سیاستمدارانی است که سعی می‌کنند تا رقابت‌پذیر نبودن صنایع داخلی و هزینه بالای تولید آنها را با متهم کردن سایر کشورها به عملیات دامپینگ توجیه کنند.

دامنه عمل گسترده دولت ترامپ برای استفاده از این گزینه، خبر خوبی برای تجارت جهانی نیست. جهش عوارض گمرکی مشکل‌آفرین است نه تنها به این دلیل که این عوارض را می‌توان با استدلال‌هایی مبهم و سوال‌برانگیز وضع کرد بلکه آنها اثراتی دومینووار دارند چون سایر کشورها نیز از تمهیداتی مشابه استفاده خواهند کرد.

(۲) دومین ابزار در اختیار ترامپ، تجارت مدیریت شده است به این شکل که آمریکا مستقیماً وارد مذاکره و معامله با شرکت‌های خارجی می‌شود تا صادرات خود را به آمریکا کاهش دهند یا سهم بازاری آنها را محدود می‌کند. چنین معاملاتی معمولاً با تهدید به وضع موانع جدید همراه است در صورتی که آن شرکت‌ها همکاری نکنند.



برای مثال، در دهه ۱۹۸۰ آمریکا به چنین توافقاتی با تولیدکنندگان خارجی خودرو، ریزتراشه‌ها، فولاد، الوار، و ماشین ابزار رسید. آمریکا در آن زمان موفق به تحمیل برخی شرایط شد که از سوی سازمان تجارت جهانی ممنوع شده بود. در نمونه‌ای جدیدتر صنعت خودروسازی آمریکا به دولت آمریکا فشار آورد تا شرطی در توافق تجاری گنجانده شود که حداقل سهمی از بازار خودرو کره جنوبی به صادرات خودروهای آمریکایی اختصاص داده شود. ترامپ احتمالاً این ابزارها را مجدد بکار می‌گیرد و آنها را حتی توسعه خواهد داد. اگر ترامپ بخواهد جلوی انتقال تولید به خارج را بگیرد و سرمایه‌گذاری در داخل را تشویق کند، بزودی شاهد خواهیم بود که شرکت‌ها «داوطلبانه» توافق می‌کنند تا برای محدود کردن برون‌سپاری و الزامات محلی‌سازی فشار وارد شود.

۳) ابزار سوم مذاکرات دوجانبه استفاده از «تظلم‌خواهی» است که به موجب آن آمریکا با کشورهایی که از باز بودن اقتصاد آمریکا سواری مجانی می‌گیرند معامله به مثل می‌کند. در دهه ۱۹۸۰ آمریکا از چنین ابتکارات دوجانبه‌ای در تلاش برای باز کردن بازارهای خارجی مانند ژاپن استفاده کرد. نمونه‌های امروزی در نگرش دولت جدید نسبت به چین خواهد بود. با توجه به تمایل آمریکا برای اینکه از بازار بزرگ داخلی خود، به عنوان اهرمی برای گرفتن امتیاز از سایر کشورها استفاده کند، می‌توان انتظار داشت یک ویژگی برجسته مذاکرات دوجانبه هدفگذاری به سمت چین باشد. اما بسیاری از دیگر کشورها، خصوصاً آنهایی که دارای مازاد تجاری با آمریکا هستند نیز احتمالاً هدف‌های بالقوه باشند.

۴) چهارمین ابزار مورد استفاده ترامپ، اعمال زور است چه به شکل یک‌جانبه با «شرمنده کردن» کشورهایی که او مدعی است عادلانه بازی نمی‌کنند یا با استفاده از نظام حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی. اگر او گزینه دوم را دنبال کند، افزایش شدید در تعداد اختلافات باعث از کار افتادن دادگاه‌های سازمان تجارت جهانی می‌شود. در همین اثنا، خود آمریکا ممکن است با اتهاماتی برای این ابتکارهای ترامپ روبرو شود. اگر ترامپ نخواهد به احکام صادره سازمان تجارت جهانی احترام بگذارد پس اعتبار کل این نظام به مخاطره خواهد افتاد.

اگر آمریکا به سمت به هم زدن نظام تجارت جهانی باز قاعده-محور امروزی حرکت کند -نظامی که آمریکا معمار اصلی آن بوده است- تبعات جدی برای بقیه جهان خواهد داشت. تنها اگر سایر کشورها از وقایع



دوره‌های پیشین، هنگامی که شیوه‌های تجارت انتقام‌جویانه استفاده شدند درس بگیرند می‌توانند پیش‌دستی کرده و اثرات اقدامات ترامپ را کاهش دهند.

برای شروع کار، همه کشورها باید تلاش‌های خود را در متنوع ساختن مقاصد صادراتی خویش به بازارهای جدید چند برابر کنند. در ادغام بازارهای جدید و تجارت منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه پتانسیل بهره‌برداری نشده زیادی وجود دارد. در همین اثنا، کشورهایی که درگیر مذاکرات بر سر شراکت دو سوی اقیانوس آرام، توافق در تجارت خدمات، و توافق کالاهای زیست محیطی بوده‌اند باید این ابتکار عمل‌ها را تا کامل شدن، با یا بدون امریکا ادامه دهند. چنین کاری در جهان امروز که سهم امریکا در تجارت جهانی به شدت کاهش یافته است کاملاً منطقی است.

دوم اینکه کشورهای تجاری اصلی باید مسئولیت بیشتری برای نظام تجاری جهانی بر دوش بگیرند. چین در اجلاس امسال مجمع جهانی اقتصاد نقش خوبی از رهبری به نمایش گذاشت اما هیچ کشوری به تنهایی نمی‌تواند این خلأ را پر کند. اتحادیه اروپا و سایر اقتصادهای نوظهور نیز باید با هدف تشکیل یک اتحاد شمال-جنوب متشکل از کشورهایی که مایل به دفاع و ترویج تجارت جهانی هستند قدم پیش بگذارند.

و سوم اینکه، شرکای تجاری باید به درک مشترک برسند که نباید از تمهیدات تجاری انتقام‌جویانه امریکا تقلید کرد چه برسد که باعث تداوم آن شوند. اثر سرایت، یک تهدید خیلی واقعی برای رونق اقتصادی است و تعهد قوی دوجانبه به خودمهاری، تنها اقدام پیشگیرانه در برابر آن است.

ترتیبات و توافقات موردی و تدریجی با شرکت‌ها، یا حتی برای محصولات خاص، و اقدام یکجانبه علیه کشورها، نمی‌تواند در بلندمدت، جایگزین اصول، قواعد و نهادهای بین‌المللی بشود. در واقع، برای دستور کار تجاری انتقام‌جویانه امریکا شاید بتوان یک نقطه روشن پیدا نکرد. اینکه وضعیت امروز دقیقاً همانند دهه ۱۹۸۰ باشد و سایر کشورها را به سمت قاعده‌گذاری و قانون‌مند کردن تجارت جهانی تشویق و تحریض کند.

فناوری‌های نوظهوری که در نیروی کار صرفه‌جویی می‌کند (کاراندوز) و خیزش دوباره پوپولیسم و ناسیونالیسم در جهان، که ریاست جمهوری ترامپ تجسم آن است، این فرایند را دشوارتر می‌کند. اما با این حال قاعده‌گذاری و تنظیم‌گری تجارت جهانی را بیش از همیشه ضروری و مهم می‌سازد.

#### ۴-۲- اندازه‌گیری اثر سیاست‌های تجاری ترامپ بر اقتصاد امریکا

دونالد ترامپ با پیشنهاد سیاست‌های اقتصادی غیرمعمول و بالقوه خطرناک خویش، از جمله تهدید به خروج از سازمان تجارت جهانی، تجدید مذاکره توافقات تجاری و وضع تعرفه بر واردات از مکزیک و چین به طور پیوسته خود را در تیتراژ اول اخبار قرار داده است. در این بخش با بررسی ابعاد حقوقی و اقتصادی این پیشنهادات ترامپ، نشان می‌دهیم چگونه قوانین مصوب از ۱۰۰ سال پیش تاکنون به رئیس جمهور امریکا اجازه می‌دهد تا چنین سیاست‌هایی را اجرا کند در عین حال که پیامدها و تبعات به شدت منفی برای اقتصاد امریکا خواهد داشت.

کاملاً اشتباه است اگر قدرت پست ریاست جمهوری کمتر از واقع برآورد شود و یا تصویری اغراق‌آمیز درباره قدرت و توانایی نهادهای نظارت و توازن برای مهار سیاست‌های تندروانه وجود داشته باشد.

دونالد ترامپ در وعده‌های انتخاباتی خود تهدید کرده است از سازمان تجارت جهانی بیرون می‌آید، توافق تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) را مورد بازنگری قرار می‌دهد، و بر واردات از مکزیک و چین به ترتیب تعرفه‌های ۳۵ و ۴۵ درصدی وضع می‌کند. آیا ترامپ بدون جلب رضایت کنگره قادر به عملی کردن این تهدیدات خواهد بود؟ آیا دیوان عالی امریکا می‌تواند او را متوقف کند؟

پاسخ‌های ساده این است که ترامپ به عنوان رئیس جمهور از چنین قدرت‌هایی برخوردار است و قوه قضائیه هم به احتمال زیاد سد راه وی نمی‌شود. طی یک قرن گذشته، کنگره اختیارات بیشماری به رئیس جمهور واگذار کرده است تا تجارت خارجی و سایر شکل‌های بازرگانی بین‌الملل را محدود سازد. البته در این نکته تردید نیست که پنج تا از مرتبط‌ترین قوانین تصویب‌شده در کنگره، اهدافی متفاوت را مدنظر داشتند. اما در هر حال این قوانین در کتاب‌های قانون باقی مانده‌اند تا هر زمان هر رئیس جمهوری که مصلحت دید از آنها استفاده کند. راهنمای اصلی در تفسیر قانون، باید زبان و متن خود قانون و نه بستر و زمینه تاریخی، یا شور و مشورت و دیدگاه قوه مقننه باشد.

اگر تهدیدات تجاری ترامپ رنگ واقعیت به خود بگیرد، اعتراض‌ها و چالش‌های قانونی بیشماری را از سوی بنگاه‌های اقتصادی و حتی ایالت‌ها برخواهد انگیخت، اما اقدامات وی به احتمال زیاد از چالش‌های دیوان عالی عبور خواهد کرد. به علاوه، اعتراضات کنگره امریکا اثر اندکی خواهد داشت مگر اینکه با اکثریت فوق‌العاده اقدام به وتو کردن دستورات ترامپ بکنند.

قوانین مصوب کنگره آمریکا که از زمان‌های گذشته وجود دارند باطل نمی‌شوند. یکی از این قوانین که اکنون دقیقاً یک قرن از تصویب آن می‌گذرد، **قانون تجارت با دشمن مصوب ۱۹۱۷**<sup>۱</sup> است. **قانون تجارت با دشمن** به رئیس جمهور آمریکا این قدرت را می‌دهد که در هنگام جنگ، همه مراودات تجاری و مالی بین‌المللی را محدود ساخته و هر گونه دارایی خارجی را بلوکه یا مصادره کند. قدرتی که روسای جمهور آمریکا دارند، نفس را در سینه حبس می‌کند. اقدامات آنها تنها به دشمن نظامی محدود نمی‌شود.<sup>۲</sup> **قانون تجارت با دشمن** اگر به اجرا درآید همه تجارت خارجی را به خطر می‌اندازد.

علاوه بر این در راستای قانون تجارت با دشمن، آمریکا از جنگ جهانی دوم تاکنون، از طریق اعلامیه‌ها و قطع‌نامه‌های کنگره تقریباً پیوسته در حالی جنگی بوده است.<sup>۳</sup> حتی اگر در زمان صلح هم باشیم، قانون قدرت‌های اقتصادی اضطراری بین‌المللی مصوب ۱۹۷۷<sup>۴</sup> به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا تجارت و مالیه را در هنگام شرایط اضطراری ملی محدود سازد. اعلام شرایط اضطراری ملی از سوی رئیس جمهوری را هیچ دادگاهی زیر سوال نمی‌برد. روسای جمهوری معمولاً از این قانون برای وضع تحریم اقتصادی در جهت اهداف سیاست خارجی استفاده می‌کنند، اما هیچ چیز مانع ترامپ نمی‌شود تا از این قانون برای اهداف تجاری خود استفاده نکند.

جدول ۱- خلاصه قوانین مصوب مجلس برای کنترل تجارت خارجی توسط رئیس جمهور

نام قانون	زمینه اقتداربخش	قدرت رئیس جمهور
<b>توافقات تجاری</b>		
<b>قانون اجرای نفتا مصوب ۱۹۹۳</b>	اعلان رسمی تعرفه‌ها	اعلام بازگشت به تعرفه‌های ملل کامله الوداد بر واردات از کانادا و مکزیک
	حفظ سطح کلی امتیازات معامله به مثلی با مکزیک و کانادا	اعلام عوارض اضافی پس از مشورت با کنگره
<b>قوانین محدودکننده</b>		
<b>قانون گسترش تجارت مصوب ۱۹۶۲، بخش ۲۳۲ (ب)</b>	یافتن یک تاثیر زیانبار واردات بر امنیت ملی	وضع تعرفه‌ها یا سهمیه‌ها در صورت صلاحدید برای خنثی کردن اثر زیانبار واردات
<b>قانون تجارت ۱۹۷۴، بخش ۱۲۲</b>	کسری زیاد و وخیم تراز پرداخت‌های آمریکا	وضع تعرفه تا حداکثر ۱۵ درصد، یا محدودیت‌های کمی، یا هر دو برای حداکثر ۱۵۰ روز علیه یک یا چند کشور با مازاد زیاد تراز پرداخت‌ها

<sup>1</sup> Trading with the Enemy Act of 1917

<sup>2</sup> استفاده فرانکلین روزولت از قانون تجارت با دشمن برای اعلام تعطیلی بانک‌ها، استفاده لیندون جانسون برای محدود کردن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و استفاده ریچارد نیکسون در وضع تعرفه ۱۰ درصدی همگی نشان‌دهنده دامنه قدرت رئیس جمهور هستند.

<sup>3</sup> در حال حاضر قطعه‌نامه‌های جنگی کنگره علیه عراق و افغانستان معتبر هستند و دادگاه‌ها می‌توانند اقدامات نظامی قوه مجریه علیه سوریه، یمن و سایر هدف‌ها را برای اجرایی کردن قانون تجارت با دشمن کافی بدانند.

<sup>4</sup> International Emergency Economic Powers Act of 1977

نام قانون	زمینه اقتداربخش	قدرت رئیس جمهور
قانون تجارت ۱۹۷۴، بخش ۳۰۱	کشور خارجی منکر حقوق امریکا بر توافقات تجارت آزاد است یا رویه‌هایی بکار می‌گیرد که غیرقابل توجیه، غیرمنطقی یا تبعیض‌آمیز هستند	اقدامات تلافی‌جویانه، با صلاح‌دید رئیس جمهور، شامل وضع تعرفه‌ها و سهمیه‌ها
<b>قوانین تقریباً نامحدود</b>		
قانون تجارت با دشمن مصوب ۱۹۱۷	در زمان جنگ	توقف همه شکل‌های تجارت بین‌الملل، به علاوه قدرت مسدود و بلوکه کردن و تصرف همه انواع دارایی‌هایی که در مالکیت خارجی‌ها است
	وضعیت اضطراری ملی	توقف همه شکل‌های تجارت بین‌الملل، به علاوه قدرت مسدود و بلوکه کردن و تصرف همه انواع دارایی‌هایی که در مالکیت خارجی‌ها است

منبع: هوفباور (۲۰۱۶)

نفثا حاوی یک شرط قانونی است که ترامپ را قادر به خروج از توافق پس از خبردهی مکتوب شش ماهه به کانادا و مکزیک می‌کند. او می‌تواند پس از مشورت با کنگره و با ادعای اینکه مقابله به مثل کافی نیست ۳۵ درصد تعرفه بر واردات از مکزیک ببندد و یا می‌تواند پس از اعلام وضع اضطراری ملی، با همان نتیجه، قانون قدرت‌های اقتصادی اضطراری بین‌المللی (IEEPA)<sup>۱</sup> مصوب ۱۹۷۷ را بکار گیرد. ترامپ به همین ترتیب می‌تواند سایر توافقات تجارت آزاد را لغو کند. از همه ناگوارتر اینکه، او می‌تواند از سازمان تجارت جهانی خارج شود و اجازه دهد تا تعرفه‌های ملل کامله الوداد به سطوح بالایی بازگردد که آخرین بار در بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ دیده شد.

اگر چنین اقداماتی ترامپ را شخصیت بسیار خشن جلوه دهد، او می‌تواند به سه قانون مصوب جنگ سرد با مرزهای محدودتر متوسل گردد. نخستین آنها (بخش ۲۳۲ ب) است که پس از یافتن یک تهدید به امنیت ملی، رئیس جمهور را قادر به تحمیل محدودیت بر واردات می‌کند. دومین آنها (بخش ۱۲۲) به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا حداکثر تعرفه‌های ۱۵ درصد یا محدودیت‌های مقداری را به مدت ۱۵۰ روز، علیه همه کشورها یا کشورهای منتخب وضع کند، تا مشکل کسری‌های زیاد و جدی تراز پرداخت‌های امریکا را

<sup>۱</sup> International Emergency Economic Powers Act:

یک قانون فدرال ایالات متحده که به رئیس جمهور اختیار تنظیم و کنترل تجارت خارجی را پس از اعلان وضعیت اضطراری ملی در واکنش به هر تهدید غیر معمول و فوق العاده به ایالات متحده که منشا خارجی داشته باشد را می‌دهد.

کاهش دهد. سومین قانون (بخش ۳۰۱) به رئیس جمهور اختیار اقدام تلافی جویانه از جمله تمهیدات تجاری را می دهد، پس از اینکه متوجه شود یک کشور خارجی بازرگانی امریکا را به نحو ناعادلانه محدود می کند.

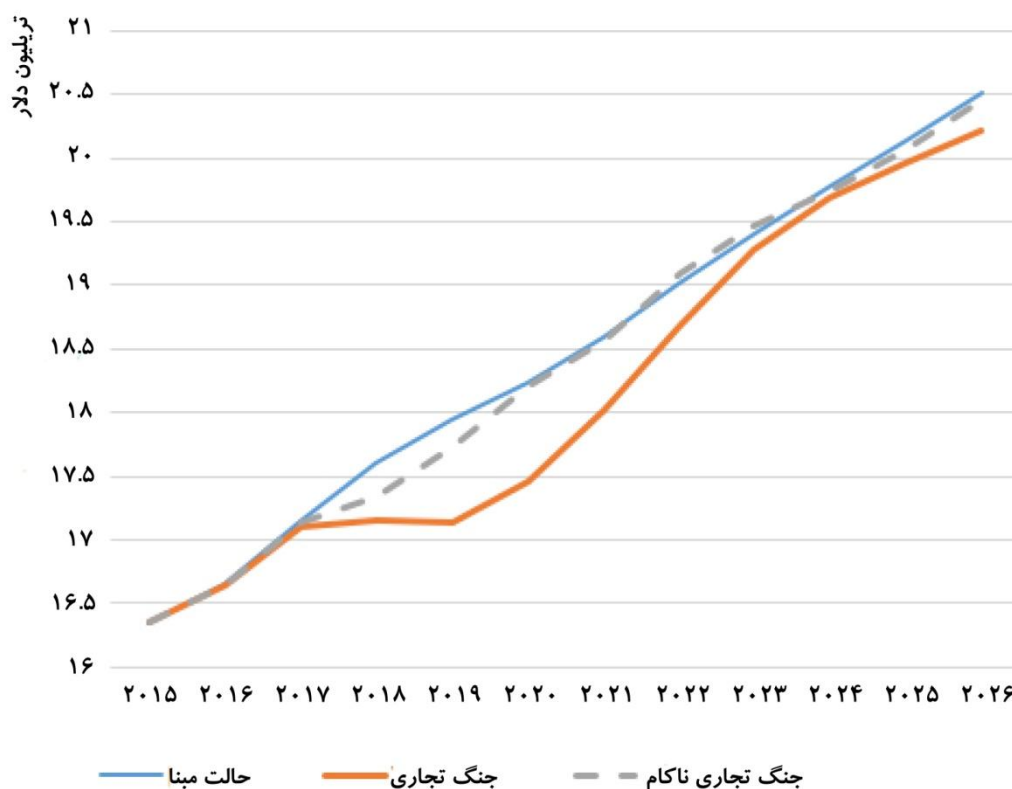
شرکای تجاری که از تمهیدات امریکا زیان می بینند احتمالاً حرکت های ترامپ را به چالش می کشند و مدعی جبران خسارت از طریق سازمان تجارت جهانی خواهند شد. اما آنها به جای منتظر بودن برای اثبات برحق بودن در سازمان تجارت جهانی، شاید خیلی ساده علیه صادرات، مالکیت فکری، یا منافع سرمایه گذاری امریکا در جهان مقابله به مثل کنند.

نولاند و همکاران (۲۰۱۶)<sup>۱</sup> که تاثیر اقتصادی سیاست های تجاری پیشنهادی ترامپ را برآورد کرده اند سه سناریوی متفاوت را ترسیم کردند. بررسی آنها با استفاده از پژوهش موسسه تحلیلی مودیز، مشخصاً طراحی شد تا تکانه های اقتصادی کوتاه مدت را ارزیابی کند. در این بررسی سعی می شود اثر افزایش شدید موانع تعرفه ای امریکا علیه مکزیک (۳۵ درصد) و چین (۴۵ درصد)، بر تولید ناخالص داخلی، اشتغال، مصرف خصوصی، و سایر متغیرها در سطح بخشی، ایالتی و کشوری امریکا محاسبه شود.

نخستین سناریو در واقع جنگ تجاری تمام عیاری است که در آن مکزیک و چین با مقابله به مثل به تعرفه های جدید ترامپ واکنش نشان دهند و تعرفه ای معادل بر صادرات امریکا وضع کنند. در سناریوی دوم، جنگ تجاری نامتقارن را داریم که چین علیه صادرات کالاها و خدمات معینی از امریکا تلافی جویی می کند درحالی که مکزیک تعرفه های ملل کامله الوداد را بر همه صادرات امریکا وضع می کند. در سناریوی سوم، جنگ تجاری ناکام می ماند، تعرفه های امریکا به شکل یک جانبه، تنها به مدت یک سال وضع می شود و مکزیک و چین هم برای همان دوره تلافی می کنند.

<sup>1</sup> Noland, M, S Robinson and T Moran (2016) "Impact of Clinton's and Trump's trade proposals" in Assessing trade agendas in the US Presidential campaign, PIIE Briefing 16-6, Washington: Peterson Institute for International Institute, September.

شکل ۱- تولید ناخالص داخلی برآوردی امریکا تحت سناریوهای حالت مینا، جنگ تجاری تمام عیار و جنگ تجاری ناکام سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶



در سناریوی جنگ تجاری تمام عیار، رشد تولید ناخالص داخلی امریکا به نحو چشمگیری به مدت یک دهه کند می‌شود (شکل ۱). اقتصاد بدترین ضربه را در سال ۲۰۱۹ می‌خورد هنگامی که مصرف به میزان ۲.۹ درصد، و سرمایه‌گذاری ۹.۵ درصد کاهش می‌یابد و نرخ بیکاری به ۸.۴ درصد می‌رسد. اشتغال بخش خصوصی در سال ۲۰۱۹ به میزان تقریباً ۴.۸ میلیون نفر کاهش می‌یابد، که بیش از ۵ درصد زیر اشتغال حالت مبنای بخش خصوصی است. بخش تولیدات صنعتی و کارخانه‌ای شدیدترین ضربه را متحمل می‌شود به نحوی که ۱۰.۲ درصد از اشتغال خود را از دست می‌دهد (جدول ۳). اما برحسب کاهش مطلق اشتغال، بخش‌های عمده و خرده‌فروشی، و خدمات درمانی و مراقبت‌های سلامتی بیشترین تعداد نیروی کار را از دست می‌دهند. برحسب اثرات در سطح ایالتی، ایالت واشنگتن بیشترین ضربه را از کاهش اشتغال با ۵ درصد می‌بیند و پس از آن کالیفرنیا، ماساچوست و میشیگان قرار دارند (نقشه ۱). مناطقی که بدترین ضربه را می‌بینند منطقه لوس آنجلس بزرگ با از دست دادن ۱۷۶ هزار شغل و پس از آن منطقه کوک (در شیکاگو) با ۹۱ هزار شغل قرار دارند.

جدول ۲- تغییرات پیش بینی شده در متغیرهای منتخب اقتصاد کلان در نتیجه جنگ تجاری کامل و ناکام مانده، ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۶

پیش بینی شده		درصد انحراف از حالت مبنا			سال
نرخ بیکاری (درصد)	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)	دولت	سرمایه‌گذاری	مصرف	
<b>جنگ تجاری تمام عیار</b>					
۴.۹	۲.۷	-۰.۲	-۰.۵	-۰.۲	۲۰۱۷
۶.۴	۰.۳	-۱.۶	-۵.۲	-۱.۷	۲۰۱۸
۸.۴	-۰.۱	-۲.۷	-۹.۵	-۲.۹	۲۰۱۹
۸.۶	-۱.۹	-۲.۹	-۸.۷	-۳	۲۰۲۰
۷.۸	۳.۲	-۲.۷	-۵.۱	-۲.۴	۲۰۲۱
۶.۶	۳.۷	-۲.۱	-۰.۷	-۱.۶	۲۰۲۲
۵.۶	۳.۲	-۱.۳	۲.۱	-۱.۱	۲۰۲۳
۵.۳	۲.۱	-۰.۹	۲.۳	-۱	۲۰۲۴
۵.۵	۱.۴	-۰.۸	۰.۸	-۱.۲	۲۰۲۵
۵.۹	۱.۳	-۱	-۱	-۱.۵	۲۰۲۶
<b>جنگ تجاری ناکام</b>					
۴.۸	۲.۹	-۱	-۰.۲	-۰.۲	۲۰۱۷
۵.۶	۱.۲	۱.۲	-۳.۴۴	-۱.۳	۲۰۱۸
۶	۲.۲	-۰.۸	-۳.۵	-۰.۶	۲۰۱۹
۵.۲	۲.۷	۰	-۰.۲	۰.۱	۲۰۲۰
۵.۳	۱.۹	-۰.۳	۰.۳	۰	۲۰۲۱
۴.۸	۲.۹	۰.۲	۲.۵	۰.۲	۲۰۲۲
۴.۷	۲	۰.۳	۱.۹	۰.۲	۲۰۲۳
۵.۱	۱.۴	۰.۲	۰	۰	۲۰۲۴
۵.۲	۱.۶	۰.۱	-۰.۹	-۰.۲	۲۰۲۵
۵.۱	۲	۰	۰.۷	-۰.۲	۲۰۲۶

منبع: نولاند و همکاران (۲۰۱۶)

جدول ۳- پیش‌بینی بدترین تاثیر جنگ تجاری تمام عیار بر بخش‌های اقتصاد

پیش‌بینی شده		درصد انحراف از حالت مبنا			سال
نرخ بیکاری (درصد)	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)	دولت	سرمایه‌گذاری	مصرف	
<b>جنگ تجاری کامل (تمام عیار)</b>					
۴.۹	۲.۷	-۰.۲	-۰.۵	-۰.۲	۲۰۱۷
۶.۴	۰.۳	-۱.۶	-۵.۲	-۱.۷	۲۰۱۸
۸.۴	-۰.۱	-۲.۷	-۹.۵	-۲.۹	۲۰۱۹
۸.۶	۱.۹	-۲.۹	-۸.۷	-۳	۲۰۲۰
۷.۸	۳.۲	-۲.۷	-۵.۱	-۲.۴	۲۰۲۱
۶.۶	۳.۷	-۲.۱	-۰.۸	-۱.۶	۲۰۲۲
۵.۶	۳.۲	-۱.۳	۲.۱	-۱.۱	۲۰۲۳
۵.۳	۲.۱	-۰.۹	۲.۳	-۱	۲۰۲۴
۵.۵	۱.۴	-۰.۸	۰.۸	-۱.۲	۲۰۲۵
۵.۹	۱.۳	-۱	-۱	-۱.۵	۲۰۲۶
<b>جنگ تجاری ناکام</b>					
۴.۸	۲.۹	-۰.۱	-۰.۲	-۰.۲	۲۰۱۷
۵.۶	۲.۱	۱.۲	-۳.۴	-۱.۳	۲۰۱۸
۶	۲.۲	-۰.۸	-۳.۵	-۰.۶	۲۰۱۹
۵.۲	۲.۷	۰	-۰.۲	۰.۱	۲۰۲۰
۵.۳	۱.۹	-۰.۳	۰.۳	۰	۲۰۲۱
۴.۸	۲.۹	۰.۲	۲.۵	۰.۲	۲۰۲۲
۴.۷	۲	۰.۳	۱.۹	۰.۲	۲۰۲۳
۵.۱	۱.۴	۰.۲	۰	۰	۲۰۲۴
۵.۲	۱.۶	۰.۱	-۰.۹	-۰.۲	۲۰۲۵
۵.۱	۲	۰	۰.۷	-۰.۲	۲۰۲۶

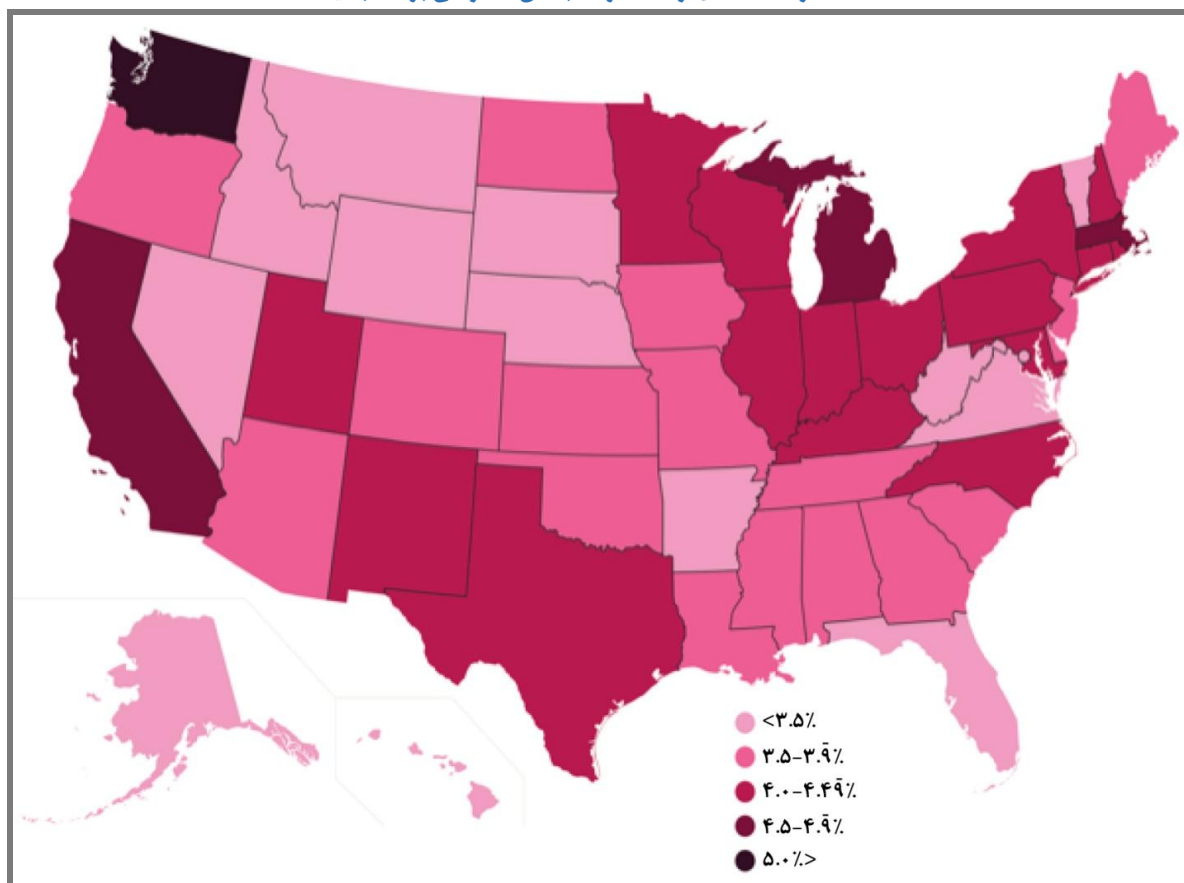
منبع: نولاند و همکاران (۲۰۱۶)

در سناریوی جنگ تجاری نامتقارن، فرض می‌شود که چین به واردات هواپیماهای امریکایی (بوئینگ) پایان می‌دهد، خریدهای خود از وزارت بازرگانی امریکا را کاهش می‌دهد، و واردات سویا از امریکا را متوقف



می‌سازد. توقف خرید هواپیما از سوی چین باعث از دست رفتن ۱۷۹ هزار شغل خصوصا در منطقه کلان شهر سیاتل و پیرامون آن می‌شود. کاهش خرید خدمات تجاری آمریکا از سوی چین ۸۵ هزار شغل را از بین می‌برد و منطقه لس آنجلس بزرگ شدیدترین آسیب را می‌بیند. توقف خرید سویای آمریکایی از سوی چین نیز بر اشتغال در مناطق روستایی در ایالت‌های مختلف تاثیر منفی می‌گذارد.

نقشه ۱- درصد مشاغل از دست رفته بخش خصوصی برحسب ایالت



منبع: نولاند و همکاران (۲۰۱۶)

در سناریوی سوم که جنگ تجاری ناکام می‌ماند، میزان خسارت اقتصادی ملایم‌تر است. سه نتیجه قابل تامل عبارتند از توقف پشتیبانی از زنجیره تامین، آشوب در بازارهای مالی، و کمبود کالاهای مصرفی. در این سناریو اشتغال بخش خصوصی آمریکا به طور موقت باعث کاهش ۱.۳ میلیون شغل می‌شود.

با توجه به این سناریوها، مشکل اینجاست که قوانین مصوب قدیم و جدید، این قدرت را به ترامپ می‌دهند تا بدون نیاز به تایید کنگره و مخالفت دادگاه‌های آمریکا، ساختار بین‌المللی اقتصاد کشور را به هم بزنند. کنگره در صورت صلاحدید می‌تواند قدرت نظارتی خویش بر رئیس‌جمهور را با بازنگری در واگذاری تمام و

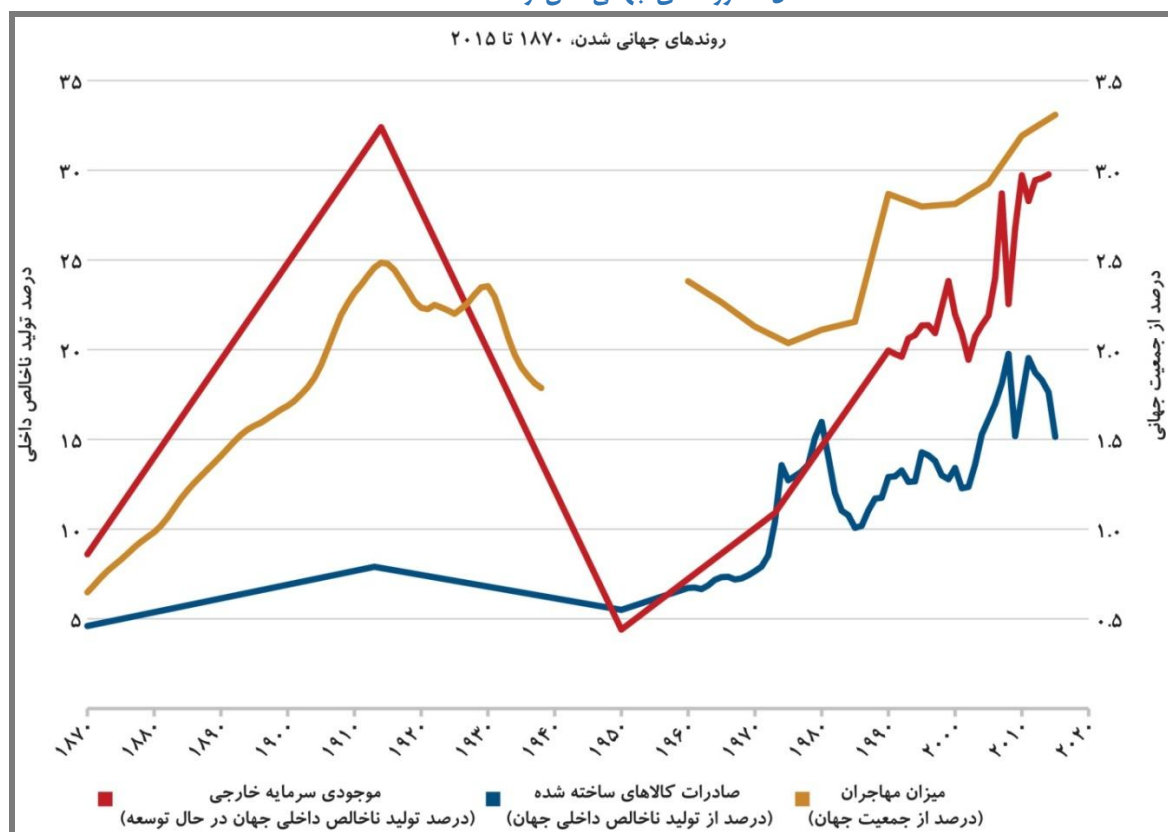
کمال قدرت قانون اساسی خویش افزایش دهد، به این شکل که تجارت خارجی را تنظیم و قانونمند بسازد و همچنین با دادن متمم‌های مناسب، دامنه عمل قوانین مصوب خویش را محدود سازد.

#### ۴-۳- ترامپ و آینده جهانی شدن

با انتخاب دونالد ترامپ لازم است تا آینده جهانی شدن و خوش‌بینی پیشین، که نظم اقتصادی جهانی دوام خواهد آورد، مجدد ارزیابی شود. اینک باید این احتمال را در نظر گرفت که یک سیاستمدار به تنهایی می‌تواند دهه‌ها روندهای جهانی را بر هم زده و معکوس سازد.

تا پیش از آمدن ترامپ، برپایه ارزیابی از حرکت کالاها، پول و مردم در فراسوی مرزهای بین‌المللی، می‌شد اینگونه نظر داد که شواهدی اندک مبنی بر عقب‌نشینی جهانی شدن وجود دارد. در شکل ۲ ملاحظه می‌شود که اقتصاد جهانی امروز نسبت به اوج جهانی شدن ابتدای قرن بیستم به هم پیوسته‌تر است و این ادعا که جهانی شدن به سطوح ناپایدار رسیده است رد می‌شود. اصولاً در این باره که چنین سطحی وجود دارد تردید است. با نگاه به آینده، می‌توان حدس زد که در سالهای پیش رو، یا میزان جهانی شدن تثبیت گردد یا آهنگ به هم پیوستگی اقتصاد جهانی کندتر شود.

شکل ۲- روندهای جهانی شدن از ۱۸۷۰ تا ۲۰۱۵



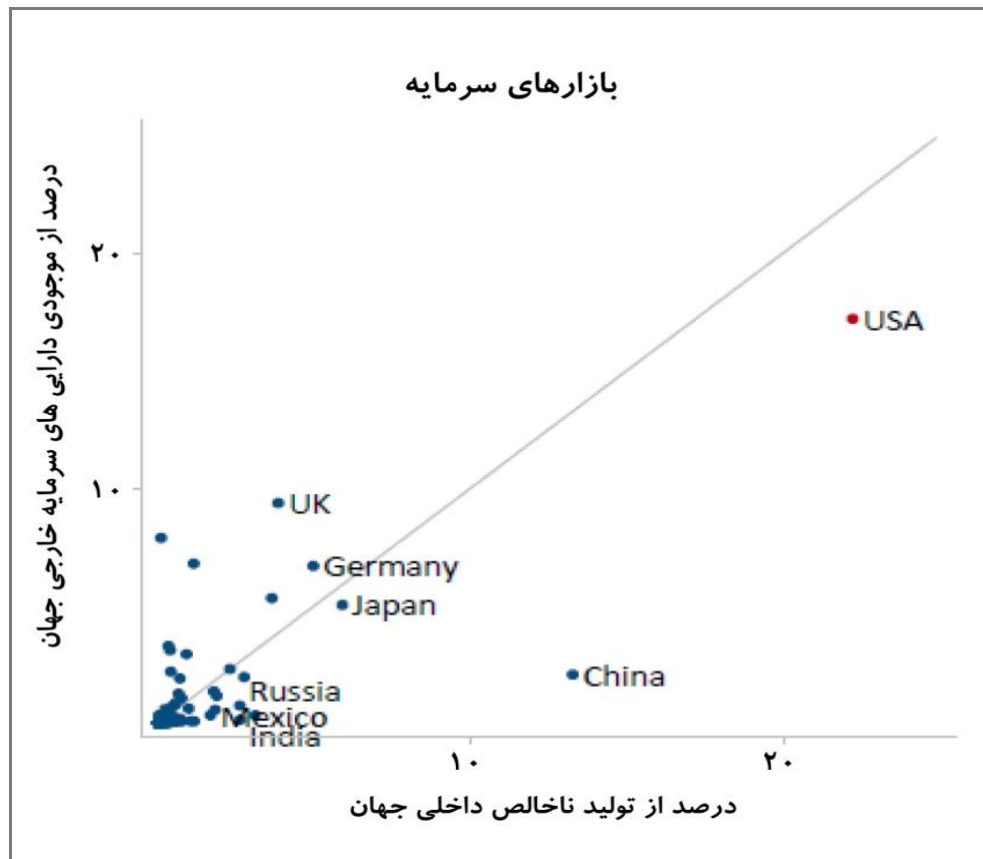
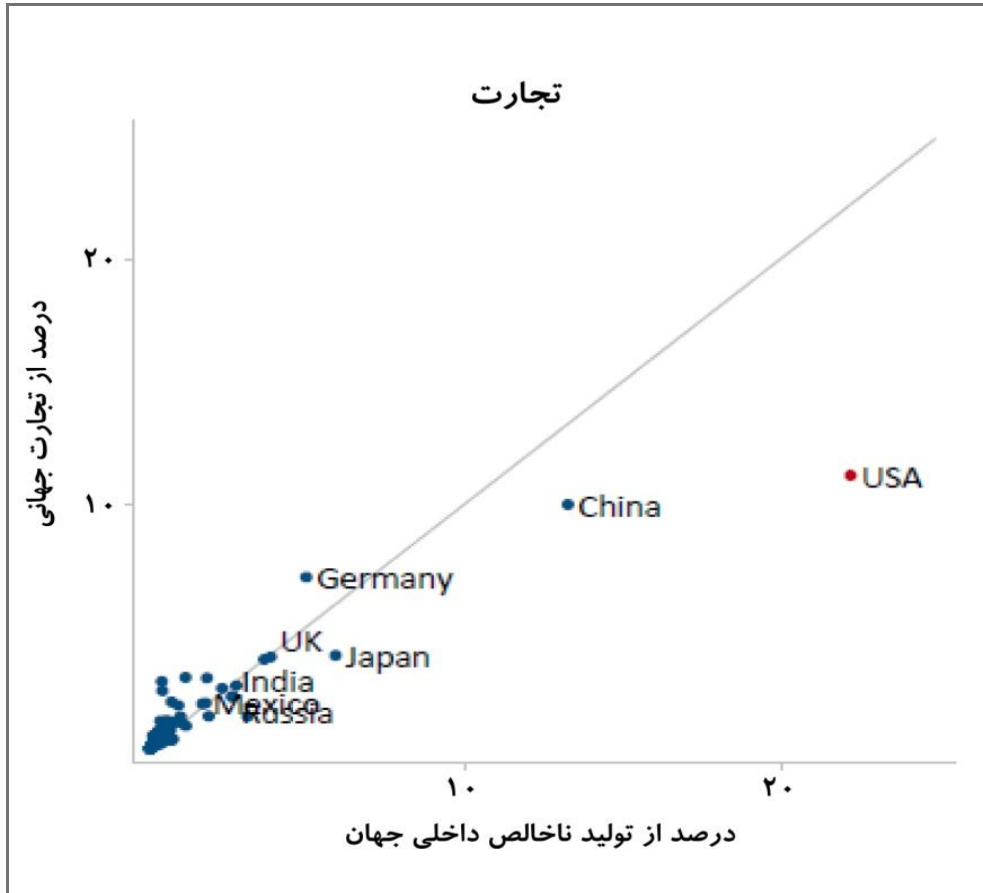
اما اینک که دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا رسیده است کدام نظر محتمل تر است؟ نکته ای که نباید از آن غفلت نمود این است که مقاومت در برابر جهانی شدن مضمون ثابت مبارزات انتخاباتی ترامپ بود. او در سخنرانی به مناسبت نامزدی ریاست جمهوری اعلام کرد مخالف توافقات تجاری موجود آمریکا است و تهدید کرد بر شرکت های امریکایی که در خارج سرمایه گذاری کنند مالیات سنگینی وضع خواهد کرد و وعده ساختن یک دیوار برای بیرون نگهداشتن مهاجرانی داد که آنها را به تجاوز به عنف متهم می کرد. برنامه ترامپ برای ۱۰۰ روز نخست به قدرت رسیدن هم تاکید می مجدد با محوریت این مضمون بود که متعهد به تجدید مذاکره یا خروج از نفتا، حمایت نکردن از شراکت دو سوی اقیانوس آرام، متهم کردن چین به دستکاری در پول خود نسبت به دلار، برقراری تعرفه برای منصرف کردن شرکت ها از فرستادن خطوط تولید و مشاغل به خارج، اخراج بیش از دو میلیون مهاجر، تعلیق مهاجرت از مناطق تروریستی و ساختن دیوار است.

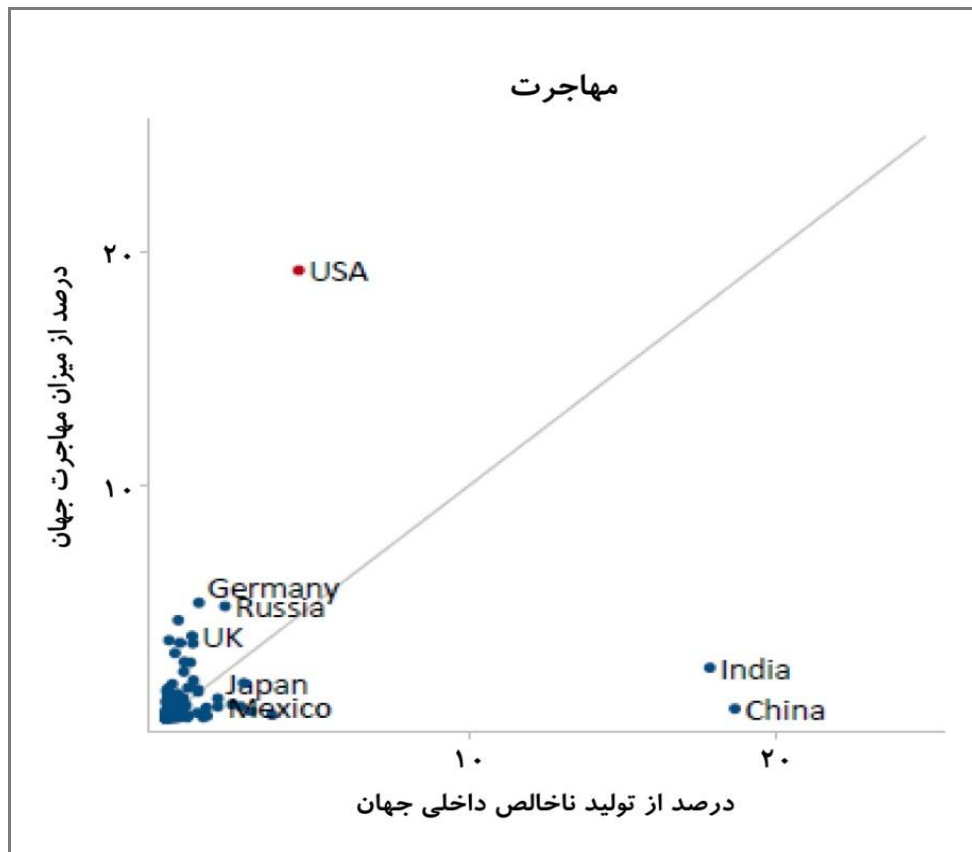
اگر ترامپ در منصب ریاست جمهوری آمریکا موفق به اجرای این پیشنهاد شود، اثر این سیاست ها بر جهانی شدن در سه سطح قابل بررسی است.

نخستین سطح، اثر مستقیم ناشی از چرخش به درون آمریکا است. آمریکا بزرگترین اقتصاد جهان براساس دلار بازاری و سومین کشور پرجمعیت جهان است. بنابراین خروج نسبی آمریکا از اقتصاد جهانی، به واسطه بزرگی اندازه این کشور باعث تغییر و تحولات جدی در متغیرهای اساسی خواهد شد.

حقیقتاً آمریکا بزرگترین سهم را از تجارت جهانی، موجودی سرمایه خارجی و تعداد مهاجران دارد. با این حال در مقایسه با اندازه ای که دارد هنوز مانند بسیاری از کشورهای دیگر در اقتصاد جهانی ادغام نشده است. همان طور که شکل ۲ نشان می دهد آن حوزه هایی که آمریکا بیشترین پیوند را با اقتصاد جهانی دارد با ریاست جمهوری ترامپ بزرگترین تاثیر را خواهند پذیرفت.

شکل ۳- سهم جهانی کشورها از تجارت، بازارهای سرمایه و مهاجرت





Source: Lane and Milesi-Ferretti 2014, U.N. 2015a, and World Bank 2016.

برای نمونه، با وجود اهمیتی که ترامپ در هنگام کارزار انتخاباتی به تجارت خارجی می‌داد، امریکا یک اقتصاد نسبتاً بسته است. با اینکه سهم تولید ناخالص داخلی امریکا از جهان ۲۴ درصد است اما حجم تجارت خارجی این کشور تنها ۱۱ درصد است. البته احتمال می‌رود که این آمار، تاثیر امریکا در تجارت جهانی را کمتر از واقع نشان دهد چون که امریکا بسیاری از کالاهای نهایی را وارد می‌کند در عین حال که تولید آنها در امتداد زنجیره‌های تامین بین‌المللی صورت می‌گیرد و امریکا هم نقش دارد. برعکس، امریکا در بازارهای سرمایه جهانی نقش کاملتری ایفا می‌کند. درون این بازارها، حوزه‌ای که بیشترین آسیب‌پذیری مستقیم را از سیاست‌های ترامپ می‌پذیرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امریکا در خارج است. امریکا مدعی در اختیار داشتن ۱۸ درصد از دارایی‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی است. اما امریکا برحسب استقبال و درجه باز بودن نسبت به مهاجران، در مقایسه با سایر کشورها بیشتر جهانی شده است. این کشور موطن ۱۹ درصد از کل مهاجران جهان است در حالی که تنها ۴ درصد جمعیت جهان را دارد. در واقع امریکا مقصد اصلی مهاجرت از ۶۰ کشور است. اخراج تعداد زیادی از مهاجران و محدودیت‌های بیشتر بر تعداد مهاجران ورودی آینده، بر این جنبه از اقتصاد جهانی مستقیماً تاثیر می‌گذارد.

در حالیکه اثرات مستقیم چرخش به درون آمریکا بر ادغام اقتصادی جهانی مهم است، هنوز به احتمال زیاد در مقایسه با سه متغیری که در شکل یک ارایه شد نسبتاً کوچک است. احتمال وقوع اثرات بسیار بزرگتری بر حسب تاثیر سیاست‌های ترامپ، را باید بر تغییر رفتار سایر کشورها مشاهده کرد. اثر ترامپ بر جهانی شدن در سطح دوم بیشتر آشکار می‌شود.

این احتمال هست که شاهد تلافی‌جویی کشورها علیه سیاست‌های حمایت‌گرایانه ترامپ باشیم. این مبنایی برای یک نگرانی جدید است که ترامپ باعث تسریع در جنگ تجاری شود. این واکنش‌ها به صراحت از جاهای گوناگون شنیده می‌شود برای مثال نشریه چینی گلوبال تایمز که نظرات دولت پکن را بازتاب می‌دهد پیشنهاد داد که چین با لغو قراردادها با تامین‌کنندگان آمریکایی، وضع تعرفه‌ها بر واردات آمریکا، و محدود کردن تعداد دانشجویان چینی که در دانشگاه‌های آمریکا درس می‌خوانند به سیاست‌های تجاری تهاجمی آمریکا واکنش نشان دهد. یا برخی نامزدهای ریاست جمهوری فرانسه پیشنهاد دادند که اگر ترامپ بخواهد از توافق اقلیمی پاریس خارج شود اتحادیه اروپا بر محصولات آمریکایی مالیات وضع کند و مشارکت شرکت‌های آمریکایی در قراردادهای دولتی اتحادیه اروپا را محدود سازد.

حالت دیگر اینکه احتمال می‌رود سایر کشورها و رهبران‌شان از دستور کار ترامپ تقلید کنند حال چه با تعقیب موفقیت انتخاباتی مشابه یا بر اساس اینکه انتخاب ترامپ به دستور کار ضد جهانی شدن مشروعیت می‌بخشد. در ماه‌های اخیر، سیاستمداران از ایتالیا، مجارستان، یونان و سایر نقاط جهان تحریک شدند تا پیروزی ترامپ را توجیهی برای سیاست‌های انتخابی خود بدانند که الگوی جهانی شدن را برعکس می‌سازد.

حالت قابل تصور دیگر این است که اگر کشورها احساس کنند آمریکا حاضر نیست به تعهدات خود نسبت به نظم اقتصادی لیبرال پایبند باشد آنها نیز هنجارها و نهادهای جهانی که اقتصاد جهانی شده را تقویت می‌کند زیر پا گذاشته و بی‌اعتبار اعلام کنند. چنین برخوردی حاکی از این باور دیرپای عمومی است که ثبات نظم اقتصادی موجود ناشی از الگو بودن آمریکا به عنوان نیروی مسلط اقتصادی جهانی به مدت طولانی بوده است. اینک با به پایان رسیدن عصر سلطه اقتصادی جهانی آمریکا، این هنجارها و نهادها، از عضویت در سازمان تجارت جهانی و پیروی از قواعد آن، تا کنوانسیون‌های مختلف سازمان ملل مربوط به چگونگی برخورد با مهاجران و پناهندگان، مورد آزمون جدی قرار می‌گیرند. انتخاب ترامپ احتمالاً باعث گذار سریع‌تری شود به طوری که کشورهای نوظهور که بیشترین نفع را از اقتصاد جهانی باز برده‌اند به دفاع از آن

برخیزند. پیش از این شواهدی از این نوع همسویی دیده می‌شد به طوری که کشورهای عضو پیمان شراکت دو سوی اقیانوس آرام در تلاش به رسیدن به توافق بدون حضور امریکا بودند، و چین به دنبال توافقات تجاری منطقه‌ای جایگزین است.

سومین و آخرین روش این است که اثر انتخاب ترامپ بر آینده جهانی شدن را به شکل تزریق میزان عظیمی نااطمینانی تفسیر کنیم. درهم شکستن نخستین موج جهانی شدن در یک قرن پیش اثبات این نکته است که نیروهای ادغام اقتصادی جهانی نه مقاومت‌ناپذیر و نه بازگشت‌ناپذیر هستند. ورود ترامپ به کاخ سفید به این شواهد می‌افزاید و بیانگر بزرگترین جابجایی در گرایش امریکا نسبت به نظام اقتصادی جهانی در دوره پس از جنگ است. این گسستگی در سیاستگذاری خود به تنهایی یک منبع نااطمینانی است. با این فرض که ترامپ دستور کار ضد جهانی سازی خود را عرضه خواهد داشت، در عین حال هنوز روشن نیست که آیا او چنین کاری را به طور کامل دنبال خواهد کرد یا اینکه چه محدودیت‌هایی برای اجرای آن بوجود خواهد آمد. اگر از میان منشور مخالفت با جهانی شدن ترامپ نگاه کنیم شاید مهمترین ریسک این باشد که چگونه او به رویدادهای پیش‌بینی نشده طی دوره ریاست جمهوری خود واکنش نشان خواهد داد. همه این ملاحظات را که با هم در نظر بگیریم نگاه ما به آینده جهانی شدن حقیقتاً تغییر کرده است. اینک همه ما اطمینان بسیار کمتری داریم که نظم اقتصادی جهان باز و تجارت آزاد دوام خواهد آورد.

#### ۴-۴- رابطه ترامپ با اتحادیه اروپا و آلمان

به نظر می‌رسد هدف جدید دولت ترامپ در حوزه تجارت، در کنار حمله به چین و مکزیک، کشور آلمان و اتحادیه اروپا هم باشد. مشاور عالی تجاری ترامپ، پیتر ناوارو<sup>۱</sup> در گفتگو با فایننشیال تایمز می‌گوید که آلمان با استفاده از یوروی کاملاً کاهش ارزش یافته، در جهت استثمار شرکای تجاری خویش در اروپا و امریکا استفاده می‌کند. ناوارو که رئیس شورای تجارت ملی ترامپ و معمار بسیاری از سیاست‌های تجاری دولت جدید است همچنین اعلام کرد که توافقات تجاری پیشنهادی بین امریکا و اروپا ملغی شده و اظهار کرد که پول آلمان یکی از موانع اصلی تجارت است.

شعارهای انتخاباتی تند و تیز ترامپ در رابطه با تجارت خارجی، همه نگاه‌ها را به سمت تنش با چین و مکزیک متوجه کرده است، کشورهایی که حجم عظیمی از کالاهای ارزان قیمت به امریکا صادر می‌کنند. اما بیانات تهاجمی ناوارو علیه آلمان و اتحادیه اروپا ظاهراً بازارها و رهبران اروپا را دچار شگفتی کرده است.

<sup>۱</sup> Peter Navarro



این اظهار نظرهای ناوارو بیانگر احساس نفرت عمیق دولت ترامپ نسبت به توافقات و نهادهای تجاری چندجانبه است، نگرشی که متحدان امریکا در اروپا و سایر نقاط جهان را در ماههای اخیر مضطرب کرده است.

ناوارو معتقد است آلمان مانع اصلی در برابر توافق تجاری امریکا و اتحادیه اروپا به نام «شراکت تجارت و سرمایه‌گذاری دو سوی اقیانوس اطلس» است. او می‌گوید «یک مانع اصلی برای اینکه شراکت تجارت و سرمایه‌گذاری در دو سوی اقیانوس اطلس را یک توافق دوجانبه بنامیم کشور آلمان است که به استثمر سایر کشورهای اتحادیه اروپا و همچنین امریکا ادامه می‌دهد، چرا که آلمان با مارک ضمنی خود به شکل کاملاً کمتر ارزشگذاری شده رفتار می‌کند.» آنجلا مرکل البته می‌گوید آلمان هیچ تاثیری روی ارزش یورو نگذاشته و از بانک مرکزی مستقل اروپایی حمایت می‌کند.

نظرات ناوارو درباره شراکت تجارت و سرمایه‌گذاری دو سوی اقیانوس اطلس ظاهراً از ترجیح وی به سمت توافقات تجاری دوجانبه‌ای سرچشمه می‌گیرد که ناوارو، ترامپ و سایر مشاورانش معتقدند اهرم بیشتری به امریکا در مذاکرات تجاری خود می‌دهد. ناوارو می‌گوید «من شخصاً شراکت تجارت و سرمایه‌گذاری دو سوی اقیانوس اطلس را به عنوان توافق چندجانبه با بسیاری کشورها زیر یک سقف می‌نگرم. عدم توازن ساختاری آلمان در تجارت با بقیه اتحادیه اروپا و امریکا، ناهمگونی اقتصادی درون اتحادیه اروپا را برجسته می‌سازد به طوری که این یک توافق چندجانبه در لباس دوجانبه است.»

امریکا و سایر کشورهای اروپایی مدت‌های طولانی از آلمان به خاطر مزاد تجاری که با آنها داشت انتقاد می‌کردند اما معمولاً به شکل غیر مستقیم و با لحن دیپلماتیک تری بود. اقتصاددانان می‌گویند که جایگاه آلمان به عنوان صادرکننده قوی در یک اتحادیه پولی که از کشورهای ضعیف‌تر تشکیل شده است، صادرات آلمان را تقویت کرده و کسری تجاری بقیه را وخیم‌تر کرده است. پول مشترک در اتحادیه عملاً باعث شده است تا آلمان نسبت به حالت نبود اتحادیه، ارزش ضعیف‌تری داشته باشد که در نتیجه صادراتش را به بازارهای جهانی نسبتاً ارزان می‌سازد. در همین اثنا، کشورهای واردکننده خالص مانند فرانسه، یونان، و پرتغال دارای ارزش قوی‌تری شده‌اند.

<sup>1</sup> Transatlantic Trade and Investment Partnership (TTIP)



چنین پویایی باعث شده است تا صادرات بنگاه‌های آلمانی مانند بی‌ام‌و و زیمنس افزایش شدیدی یافته و آلمان را صاحب مازاد حساب جاری کرده است که حتی از مازاد تجاری چین به شکل قدر مطلق هم بیشتر است. جوزف گاگنون پژوهشگر ارشد در موسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون می‌گوید «به نظر من ناوارو به این نکته اشاره دارد که آلمان اساساً قوانین در حوزه یورو را به نفع خویش ایجاد کرده است و اگر این کشورها در حوزه یورو نبودند، مارک آلمان اکنون باید بسیار قوی‌تر می‌بود که به صادراتش ضربه می‌زد. آلمان اساساً اقتصاد خود را با وجود شرکای ضعیف در حوزه یورو حفظ کرده است.»

علاوه بر این، برخی اقتصاددانان می‌گویند سیاست پولی متفاوت و واگرا بین اتحادیه اروپا و آمریکا باعث تقویت دلار شده و صادرات آمریکا را پایین آورده است. در ابتدای سال جاری میلادی، یورو به پایینترین میزان ارزش خود در برابر دلار در ۱۴ سال گذشته رسید.

شکل ۴- سقوط یورو به پایین‌ترین میزان چند ساله در برابر دلار آمریکا



در سال‌های اخیر، با توجه به تقویت اقتصاد آمریکا و کاهش بیکاری، فدرال رزور موفق شد تا اثر برنامه خرید گسترده اوراق قرضه خود معروف به تسهیل مقداری را خنثی کند و در نتیجه بتدریج نرخ بهره آمریکا را بالا

ببرد. برعکس در اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا به برنامه تسهیل مقداری خود ادامه داده است و نرخ‌های بهره را پایین نگهداشته است چون که بسیاری از اقتصادهای پیرامون این اتحادیه هنوز گرفتار رکود هستند. تفاوت در نرخ بهره و انتظارات تورمی بین آمریکا و اتحادیه اروپا، سرمایه‌گذاری بین‌المللی را به سمت اقتصاد آمریکا هدایت کرده است که ارزش دلار را در برابر یورو تقویت می‌کند.

حقیقتاً، برخی اقتصاددانان استدلال می‌کنند که سیاست پولی و مالی در اتحادیه اروپا هنوز بیش از آنی انقباضی است که بتواند کشورهای دچار بحران مانند یونان را در مسیر درست قرار دهد. اما آلمان، حامی سنتی ریاضت اقتصادی و تورم پایین، معمولاً موافق نیست.

ماتیاس ماتیجس<sup>۱</sup> استاد اقتصاد سیاسی بین‌الملل در مدرسه مطالعات بین‌الملل دانشگاه جان هاپکینز می‌گوید «من منتقد سیاست یورویی آلمان بوده‌ام، اما مرکل مقصر نیست. آلمان نرخ ارز را کنترل نمی‌کند. بانک مرکزی اروپا هم به همین. یورو ضعیف شده را باید نتیجه سیاست‌های تسهیل مقداری بانک مرکزی اروپا دانست و اینها همان سیاست‌هایی هستند که هر دو بانک مرکزی آمریکا و ژاپن انجام داده بودند.»

اگرچه رشد اقتصادی در حوزه یورو همچنان پایین باقی مانده است، نشانه‌هایی وجود دارد که اقتصاد در حال تحرک است و تورم در آلمان طبق آمارهای موجود از ژانویه سال جاری در حال افزایش بوده است. اما خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، همچنین انتخابات در فرانسه و هلند که می‌توانست بر مسیر اتحادیه اروپا تأثیر بگذارد، اقتصاد اروپا را به طور بالقوه در آینده بی‌ثبات می‌سازد.

ناوارو همچنین شکست توافق تجاری پیشنهادی بین آمریکا و اروپا را به تصمیم انگلستان برای خروج از اتحادیه اروپا مرتبط می‌داند. به گفته وی «برگزیت باعث از بین رفتن شراکت تجارت و سرمایه‌گذاری دو سوی اقیانوس اطلس حتی قبل از انتخاب ترامپ شد.» ترامپ از برگزیت استقبال کرد و آن را حرکت بزرگی دانست که سایر کشورها نیز احتمالاً از انگلستان پیروی خواهند کرد چرا که حفظ و با هم نگهداشتن این کشورها کار آسانی نخواهد بود. مقامات آمریکایی این احتمال را می‌دهند که برگزیت باعث «ازهم پاشیدن» یورو طی یک سال و نیم آینده شود.

ماتیجس بر این باور است که ناوارو و دولت آمریکا اروپای ضعیف‌تر را به نفع خویش می‌بینند چون که آنها موفق خواهند شد توافقات تجاری دوجانبه را امضا کنند. او می‌گوید «اگر آمریکا بخواهد توافقات تجاری با

<sup>1</sup> Matthias Matthijs

اتحادیه اروپا منعقد کند با طرف معامله‌ای روبرو است که در شرایطی برابر با وی است. برخلاف سیاست خارجی یا سیاست دفاعی، در مورد تجارت خارجی بهتر است که تفرقه بیندازید و نفع ببرید.»

## ۵- منابع و مأخذ

1. Fischer, Joschka (2017) Realism About Trumpism, *Project Syndicate*, <https://www.project-syndicate.org/commentary/trump-crisis-international-relations-by-joschka-fischer-2017-02>
2. Hamada, Koichi (2017) How Trump is Testing Democracy, *Project Syndicate*, <https://www.project-syndicate.org/commentary/trump-constitutional-challenge-democracy-by-koichi-hamada-2017-02>
3. Hufbauer, G C (2016) “Could a President Trump shackle imports?” In Assessing trade agendas in the US Presidential campaign, PIIE Briefing 16-6, *Washington: Peterson Institute for International Institute*, September.
4. Hufbauer, Gary and Euijin Jung (2016 ) Evaluating Trump’s trade policies, *VOX CEPR's Policy Portal*, 29 September.
5. Martin Wolf, (2017) Donald Trump’s tough talk will not bring US jobs back, China played an insignificant role in the decline of manufacturing, *FT.*, January 31,
6. Reiter, Joakim and Guillermo Valles (2017) Trump’s Trade Revanchism, *Project Syndicate*, <https://www.project-syndicate.org/commentary/trump-trade-policies-revanchism-by-joakim-reiter-1-and-guillermo-valles-1-2017-03>
7. Sachs, Jeffrey (2017) Three Trumps, *Project Syndicate*, <https://www.project-syndicate.org/commentary/three-trumps-russian-lackey-mogul-demagogue-by-jeffrey-d-sachs-2017-03>
8. Seidel, Brina and Laurence Chandy (2016) Donald Trump and the future of globalization, *Brookings Institution*, November.
9. Stiglitz, Joseph E. (2017) How to Survive the Trump Era, *Project Syndicate*, <https://www.project-syndicate.org/commentary/surviving-the-trump-era-by-joseph-e--stiglitz-2017-02>
10. Summers, Larry (2017) Revoking Trade Deals Will Not Help American Middle Classes, *FT.*, Feb 5.

گزارش شماره ۲:

## آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اتاق استانبول

### خلاصه مدیریتی

یک چالش مشترک میان همه کشورها صرفنظر از عملکرد اقتصادی و توسعه منابع انسانی آن کشور، ورود جوانان به عرصه‌های اقتصادی و ممانعت از بیکاری این قشر است. گرچه اغلب دلایل این بیکاری مشخص شده اما هنوز راه‌حل قطعی برای این مشکل با وجود توجه روزافزون بخش دولتی و سازمان‌های خصوصی پیدا نشده است. آنچه مسلم است بیکاری جوانان خود نمایانگر عدم کارکرد درست سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی است. فقدان مهارت‌های مناسب منطبق با نیازهای بازار کار و عدم هماهنگی ظرفیت‌های دانشگاهی با نیاز بازار از جمله مهمترین مشکلات آموزشی است که منتج به بیکاری می‌شود. نتیجه آنکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در دنیای امروز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

ترکیه هم از جمله کشورهایی است که با معضل بیکاری جوانان به خصوص بعد از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۹ دست به گریبان است. استانبول به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین کلان‌شهرهای ترکیه که ۲۵ درصد از درآمد ملی این کشور را تولید می‌کند حتی از نرخ بیکاری بالاتر از متوسط کشور ترکیه برخوردار است. اعضای اتاق استانبول ۲۲ درصد از تولید ناخالص ملی ترکیه و ۴۴ درصد از درآمدهای مالیاتی ترکیه را ایجاد

می‌کنند. همین موضوع سبب شد تا اتاق استانبول به منظور ایجاد اشتغال در این شهر و غلبه بر مشکل بیکاری به فکر چاره‌جویی باشد. از جمله اقدامات اتاق بازرگانی استانبول در این زمینه مشارکت و حمایت از اجرای پروژه اداره تخصصی دوره‌های آموزش شغلی (OZIMEK)<sup>۱</sup> بود که در سال ۲۰۰۷ اجرای آن آغاز شد.

هدف اصلی پروژه OZIMEK حفاظت، توسعه و افزایش اشتغال و کاهش بیکاری از طریق زمینه‌سازی تحصیل در سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای برای افراد مختلف جویای شغل است. پروژه OZIMEK مشتمل بر برگزاری دوره‌های آموزشی برای همه کسانی است که از حق تحصیل محروم شده و به دنبال بهبود مهارت‌های حرفه‌ای خود برای تغییر شغل یا کسب شغل جدید هستند.

در پروژه OZIMEK، موسسات آموزش شغلی شامل دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای، آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های هنری به دلیل برخورداری از امکانات و شرایط مناسب ارائه دوره‌ها، به عنوان مکان برگزاری دوره‌ها انتخاب شدند. به دلیل استفاده از همین موسسات فنی و حرفه‌ای به عنوان مکان آموزشی، دوره‌ها بعد از ساعت کاری مدارس در روز شنبه و بعد از ساعات کاری در طول هفته ارائه می‌شود. این موضوع همچنین سبب می‌شود که افراد شاغلی که به دنبال ارتقاء مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای خود هستند بتوانند در این دوره‌ها شرکت کنند.

دوره‌ها تنها در استانبول و با توجه به نیازهای جاری بازارهای صنایع، انفورماتیک و بخش خدمات برگزار می‌شوند. برنامه دوره‌ها توسط وزارت آموزش ملی مشخص می‌شود و شامل فعالیت‌های تئوری و عملی است. از نقطه نظر منابع مالی، اتاق بازرگانی استانبول و اداره مدیریت استانی استانبول بخش عمده بودجه این پروژه را تامین می‌کنند. در طول پنج سال (از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۲) مجموع سرمایه‌گذاری‌های مشترک انجام شده در این پروژه به بالغ بر ۹.۲ میلیون دلار رسید.

آمار شرکت‌کنندگان و افزایش آنها از سال ۲۰۰۷ تصویر روشنی از نتایج موفق این پروژه ارائه می‌دهد. در حالیکه تعداد فارغ‌التحصیلان در سال ۲۰۰۷ تنها ۵۰۰ نفر بود، این پروژه موفق شد این میزان را ۴۰ برابر کرده و به ۲۲.۱۱۲ نفر در سال ۲۰۱۰ و ۳۳.۴۶۰ نفر در پایان سال ۲۰۱۲ برساند.

شاید این آمار مهم‌ترین شاخص موفقیت پروژه OZIMEK باشد. البته افزایش قابل ملاحظه شرکت‌کنندگان موفقیت پروژه را در کوتاه‌مدت نشان می‌دهد. در بلندمدت این پروژه تاثیر زیادی بر اشتغال و جایگاه‌های شغلی در استانبول داشت. نتایج حاصل از یک نظر سنجی که توسط اتاق بازرگانی استانبول از ۱۱.۲۸۸ نفر از فارغ‌التحصیلان این پروژه انجام شد، نشان می‌دهد که:

<sup>۱</sup> Special Administration Vocational Training Courses (OZIMEK)

- ۲۴.۴ درصد از شرکت کنندگان بیکار موفق به یافتن شغل شدند.
- ۱۵.۱ درصد از کارآموزانی که شاغل بودند موفق به تغییر شغلشان شدند.
- ۳۹.۶ درصد از فارغ التحصیلان درآمد خود را افزایش دادند.

در نتیجه مشارکت سازنده و پاسخگویی های به موقع، این پروژه موفق شد امید نسل جوان استانبول را به زندگی در کلانشهر استانبول حفظ کند. در واقع روشن ترین نتیجه OZIMEK را می توان ایجاد امید در کارآموزان برای یافتن شغل مناسب یا درآمد بیشتر دانست.

بحران اقتصادی جهانی و نوآوری‌های سریع فناوری که سبب تجدید سیستم‌های تولید در بخش صنعت شد تاثیر عظیمی بر بازار کار داشت. از منظری دقیق‌تر نه تنها بیکاران بلکه حتی شاغلین نیز نیازمند بهبود مهارت‌های شغلی خود و همگامی با فناوری‌های جدید هستند. رویکرد کشورها نسبت به مقوله بیکاری در مناطق مختلف جهان متفاوت است که سبب اتخاذ سیاست‌های مختلفی برای غلبه بر این بحران می‌شود. برخی از کشورهای جهان، از رویکرد ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از طریق افزایش پویایی در صنایع خود بهره می‌جویند در حالی که سایرین از سیاست حمایت از توریسم و سرمایه‌گذاری بر روی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور تقاضاهای بخش صنعت استفاده می‌کنند. با توجه به پویایی شهر استانبول، سیاستگذاران ترک به این نتیجه رسیدند که بهترین و عینی‌ترین راه‌حل برای غلبه بر بیکاری در این شهر گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

استانبول به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین کلان‌شهرهای ترکیه ۲۵ درصد از درآمد ملی این کشور را تولید می‌کند. با اینحال معضل بیکاری یکی از مشکلات عمده این شهر است که به قوت خود باقی است.

شناسایی مشکل ارتباط میان همکاری صنعت و دانشگاه در شهر استانبول از سوی اداره مدیریت استانی استانبول<sup>۱</sup>، اداره استانی آموزش ملی<sup>۲</sup> و اتاق بازرگانی استانبول<sup>۳</sup> منجر به آغاز به کار پروژه اداره تخصصی دوره‌های آموزش شغلی (OZIMEK) در سال ۲۰۰۷ شد. پروژه OZIMEK شامل دوره‌هایی برای همه کسانی است که به هر دلیلی حق تحصیل را از دست داده و در جستجوی بهبود توانایی‌های حرفه‌ای خود به منظور تغییر شغل یا به دست آوردن یک شغل جدید هستند. به طور کلی، دوره‌ها برای همه افراد آزاد و رایگان است. در پایان هر دوره، کارآموزان موظف به قبولی در امتحان پایان دوره و دریافت گواهینامه رسمی هستند.

این دوره‌ها بر اساس نیاز بازار و تغییرات روز فناوری تعیین شده‌اند. تعداد موسساتی که این دوره‌ها را ارائه می‌دهند از ۴۴ موسسه در سال ۲۰۰۷ به ۱۶۴ موسسه در سال ۲۰۱۰ رسید. تعداد مشارکت کنندگان نیز فراتر از انتظار بوده و در سال ۲۰۱۰، ۴۰ برابر شده و به ۲۴۰۰۹۳ نفر رسید. این آمار روند افزایشی خود را حفظ کرده و در پایان سال ۲۰۱۲ تعداد کارآموزان ۳۷۰۷۵۱ نفر، تعداد فارغ‌التحصیلان ۳۳۰۴۶۰ نفر و ساعات آموزشی از ۲۶۰ ساعت به ۴۵۰ ساعت آموزش‌های تئوری و عملی در ۱۷۴ شغل مختلف رسید. با توجه به افزایش فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها، سایر نیازهای کارآموزان نیز مشخص شد. فقدان ارتباط میان فعالان

<sup>1</sup> Istanbul Special Provincial Administration

<sup>2</sup> Istanbul Provincial Directorate for National Education

<sup>3</sup> Istanbul Chamber of Commerce (ICOC)

کسب و کار و کارآموزان گام بعدی پروژه OZIMEK را مشخص نمود. به همین جهت هم اداره اشتغال ترکیه برای استان استانبول (ISKUR)<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۸ به پروژه پیوست. به لطف ورود ISKUR، مجموع منابع پروژه افزایش یافته و شانس فارغ التحصیلان برای یافتن مشاغل جدید به دلیل استفاده از پایگاه اطلاعاتی گسترده ISKUR و تشریک مساعی میان موسسات شغلی تقویت شد. علاوه بر آن گام نهایی هم توسط اتاق استانبول برداشته شد که وبسایت "پایگاه اطلاعاتی منابع انسانی"<sup>۲</sup> را طراحی کرد. هدف از این وبسایت تشویق فارغ التحصیلان به اضافه کردن اطلاعات در رابطه با تجارب و تخصص خود به این وبسایت است. از این طریق کارفرمایان با ورود به بخش افراد در جستجوی شغل این پایگاه اطلاعاتی، می توانند کارمند بالقوه بنگاه خود را بیابند. در سال ۲۰۱۱ حدود ۷۰۶۲ کارآموز در این وبسایت ثبت نام کردند که ۶۸۰۹ نفر از آنها فارغ التحصیل بودند.

در طول این سالها، OZIMEK الگویی برای سایر پروژه های اینچنینی در ترکیه نظیر پروژه "مراکز راهنمایی تخصصی شغلی"<sup>۳</sup> بوده که برای اجرا در سراسر کشور ترکیه برنامه ریزی شده است. انجام این پروژه نمایانگر اولویت اتاق بازرگانی استانبول نسبت به مسئولیت های اجتماعی اتاق است. به عنوان یکی از مهم ترین پروژه های مسئولیت اجتماعی شرکتی اتاق استانبول، ویژگی ها، ساختار کامل مشارکتی و نتایج آن سبب شد که اتاق استانبول این پروژه را توسعه و گسترش دهد [۱].

## ۲- اهمیت آموزش های شغلی در دنیا

یک چالش مشترک میان همه کشورها صرف نظر از عملکرد اقتصادی و توسعه منابع انسانی آن کشور، ورود جوانان به اقتصاد است. بر اساس آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۱۶ نرخ جهانی بیکاری جوانان ۱۳.۵۶ درصد بود. گرچه خاورمیانه و آفریقای شمالی بالاترین نرخ بیکاری جوانان را با ۳۰.۳۷ درصد دارند اما این بدان معنی نیست که آمار اروپا رضایت بخش است. نرخ بیکاری جوانان در اتحادیه اروپا در همان سال ۲۰.۸۹ درصد و بالاتر از بیکاری کل در این قاره بود<sup>۴</sup>.

گرچه اغلب دلایل این بیکاری مشخص شده اما هنوز راه حل قطعی برای این مشکل با وجود توجه روزافزون بخش دولتی و سازمان های پیشرو پیدا نشده است. آنچه مسلم است بیکاری جوانان خود نمایانگر عدم کارکرد درست سیاست ها و برنامه های آموزشی است. این موضوع همچنین نشان دهنده عدم تخصیص مناسب بودجه دولتی است که در نتیجه تعداد زیادی از فارغ التحصیلان در جستجوی کار در نهایت شغلی به

<sup>۱</sup> Istanbul Provincial Directorate of Turkish Employment Agency (ISKUR)

<sup>۲</sup> Human Resources Database

<sup>۳</sup> Specialized Vocational Guidance Centers

<sup>۴</sup> بر اساس تعریف ILO نرخ بیکاری جوانان به نرخ بیکاری جمعیت فعال بین ۱۵ تا ۲۴ سال اطلاق می شود.



جز آنچه که برای آن آموزش دیده‌اند را برمی‌گزینند. توسعه مهارت‌ها برای رشد و پایداری همه اقتصادهای در حال توسعه امری حیاتی است. نتیجه آنکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در دنیای امروز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است [۲].

تحقیقات در رابطه با منافع آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای (VET)<sup>۱</sup> در سال‌های اخیر رشد زیادی داشته است. در واقع با توجه به اینکه اینگونه آموزش‌ها به منظور آماده‌سازی افراد برای شغل آینده یا یک پیشه تخصصی طراحی شده‌اند بنابراین به طور مستقیم با بهره‌وری و رقابت‌پذیری یک کشور در ارتباط هستند. اما این تنها مزایای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیست. بر اساس یک تقسیم‌بندی که توسط مرکز اروپایی برای توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای<sup>۲</sup> انجام شد مزایای این آموزش‌ها به دو دسته اقتصادی و اجتماعی تقسیم می‌شود. هر دو این موارد هم در سه سطح خرد، کلان و میانی بررسی می‌شوند.

## ۱-۲- بعد اقتصادی

### سطح کلان

- بازده اقتصادی: تحقیقات در رابطه با ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بیشتر نتایجی در حوزه سودآوری و رشد اقتصادی را به همراه داشته است.
- اثرات بر بازار کار: کاهش بیکاری و و نابرابری از دیگر نتایج به دست آوردن مهارت‌های شغلی است.

### سطح میانی:

- عملکرد شرکت‌ها: هزینه و فایده اینگونه آموزش‌ها در سطح شرکتی نتایجی در حوزه سودآوری و نوآوری در بردارد.
- بهره‌وری نیروی کار: بهبود توانایی‌ها و ظرفیت‌های افراد ضمن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به بالا بردن سود شرکت کمک می‌کند.

### سطح خرد:

- منافع آموزش و پرورش شغلی برای افراد: کسب درآمد، یافتن شغل، کاهش عدم تناسب مهارت‌ها با نیازهای مشاغل، یکپارچگی بیشتر بازار کار به دلیل دستمزدهای رضایت بخش، بهبود فرصت‌های شغلی و وضعیت حرفه‌ای.

<sup>1</sup> vocational education and training (VET)

<sup>2</sup> European Centre for the Development of Vocational Training (CEDEFOP)

سطح کلان:

- اثرات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر نسل‌های درون یک خانواده و اینکه چگونه خانواده بر توسعه مهارت‌ها تأثیر می‌گذارد.
- رابطه میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سلامت: چگونه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند از سلامت یک کشور حمایت کند.
- اثر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش جرم و اقدامات خلاف در جامعه

سطح میانی:

- شمول (دربرگیری) گروه‌های حاشیه‌ای و با شرایط نامساعد از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

سطح خرد:

- رفاه شخصی: بهبود کیفیت زندگی برای افراد و تأثیر آن بر توسعه، رفتارها و انگیزه‌های شخصی.

علیرغم نقش حیاتی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مباحث توسعه، هنوز این موضوع با چالش‌های جدی در سراسر دنیا روبرو است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به کمبود ساختارهای آموزشی، حقوقی و تسهیلاتی، عدم وجود همکاری میان بخش خصوصی و بخش آموزشی و در آخر مشکلات مالی اشاره کرد. مطالعات مرکز اروپایی برای توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بیشتر با هدف آگاهی‌بخشی به تصمیم‌سازان و سیاستگذاران عرصه اقتصادی و ارائه مسیر نو برای طرح سیاست‌های جدید در این زمینه است [۳].

### ۳- ترکیه و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

سوال اساسی سیاستگذاران و مجریان سیاستی و مخصوصاً بخش خصوصی در ترکیه در حوزه آموزش‌های شغلی این موضوع است که ترکیه چگونه می‌تواند پتانسیل‌های پنهان نیروی کار خود را که بیش از نیمی از جمعیت نیروی کار این کشور را تشکیل می‌دهند به تحرک وا دارد. به طور کلی به دلیل پیچیدگی سیستم آموزش ملی در ترکیه وزارت آموزش ملی<sup>۱</sup> امور مرتبط با این وزارتخانه را با همکاری برخی از نهادهای دیگر انجام می‌دهد. از جمله این نهادها:

- کنفدراسیون تجار و صنعتگران ترکیه
- اتحادیه اتاق‌های بازرگانی و بورس کالای ترکیه
- اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی

<sup>1</sup> Ministry of National Education

- شورای تحقیقات فناوری و علمی ترکیه<sup>۱</sup>
- اداره اشتغال ملی ترکیه<sup>۲</sup>

اداره اشتغال ملی ترکیه مسئولیت اصلی ارائه خدمات به افراد بیکار ثبت نام شده در ۱۰۹ دفتر موجود این اداره در ۸۱ استان را بر عهده دارد. برنامه‌های آموزشی مهم‌ترین برنامه این نهاد برای ایجاد تحرک در بازار کار است. اکثر دوره‌های آموزشی ارائه شده دوره‌های آموزش شغلی عمومی است که طیف وسیعی از مشاغل را پوشش می‌دهد. دوره‌ها معمولاً رایگان هستند اما هر کارآموز فقط حق شرکت در یک دوره مورد حمایت توسط اداره اشتغال ملی ترکیه را در بازه زمانی ۵ سال دارد [۴].

علاوه بر این دولت ترکیه به منظور توسعه و بهبود آموزش‌های شغلی در این کشور طرح‌ها و سندهای استراتژیک زیادی را نیز به تصویب رساند. از آن جمله می‌توان به سند استراتژیک وزارت آموزش ملی ترکیه<sup>۳</sup>، استراتژی ملی برای آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای<sup>۴</sup>، استراتژی تحصیلات عالی ترکیه<sup>۵</sup>، استراتژی آموزش مادام‌العمر ملی<sup>۶</sup>، طرح عملیاتی برای تقویت رابطه میان آموزش و اشتغال<sup>۷</sup>، استراتژی اشتغال ملی<sup>۸</sup> و طرح عملیاتی برای برابری جنسیتی<sup>۹</sup> اشاره کرد.

سند استراتژیک وزارت آموزش ملی ترکیه، اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های شغلی و اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی را تشویق می‌کند که ابتکار عمل را در حوزه آموزش‌های ضمن خدمت و تشکیل واحدهای آموزش شغلی به دست گیرند. همچنین در این سند اشاره شده که بخش خصوصی مسئولیت تربیت نیروی کار با توجه به تقاضای بازار کار را با استفاده از ساده‌سازی فرآیندهای بوروکراسی اداری و تایید گواهینامه‌های صادر شده به عهده گیرد. مشکل این سند اما آنجا بود که هیچ مشوقی برای دستیابی به این اهداف ارائه نمی‌کرد. به همین دلیل طیف وسیعی از اقدامات بعد از این سند انجام شد که شرکت‌ها را برای پذیرش نقش بیشتر در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ترغیب کند. قانون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای<sup>۱۰</sup> این اجبار را بر بنگاه‌های با بیش از ۲۰ کارکن قرار داد که باید ۵ تا ۱۰ درصد از کارکنانش را کارآموزان تشکیل دهند. اکثر این کارآموزان باید بین ۱۴ تا ۲۰ سال باشند [۵]. این سند گویای آن است که دولت ترکیه برای حمایت از آموزش‌های شغلی، به حمایت بخش خصوصی به ویژه اتاق بازرگانی توجه جدی داشته است.

<sup>1</sup> THE SCIENTIFIC AND TECHNOLOGICAL RESEARCH COUNCIL OF TURKEY

<sup>2</sup> The Turkish National Employment Agency

<sup>3</sup> Strategic Plan of the Ministry of National Education (2010–2014)

<sup>4</sup> National Strategy on Vocational Education and Training (2014–2018)

<sup>5</sup> Higher Education Strategy of Turkey (2007–2025)

<sup>6</sup> National Lifelong Learning Strategy (2014–2018)

<sup>7</sup> Action Plan to Strengthen the Link between Education and Employment (IMEİGEP)

<sup>8</sup> National Employment Strategy (2014–2023)

<sup>9</sup> Gender Equality Action Plan (2008–2013)

<sup>10</sup> The Vocational Education Law

#### ۴- پروژه اداره تخصصی دوره‌های آموزش شغلی (OZIMEK)

در یک سیستم اقتصادی پیوسته، بحران‌های اقتصادی جهانی منجر به بدتر شدن اوضاع اقتصادی کشورها می‌شود. قبل از بحران مالی ۲۰۰۹، مشکل بیکاری در کشور ترکیه نیازمند یک درمان اصولی بود اما بعد از بحران این مشکل حتی عمیق‌تر شده و برای حمایت از بخش‌های آسیب‌پذیر باید راه‌حل جدی ارائه می‌شد. از سوی دیگر، تعداد انگشت شمار کارفرمایانی که به دنبال کارمندان مجرب و مجهز به دانش روز باشند خود علامت سؤال بزرگی بود. شاید فقدان همین حلقه ارتباطی میان نرخ بالای بیکاری و تقاضا برای نیروی کار مجرب دلیل اصلی ایجاد OZIMEK بود. تشخیص ضرورت وجود پرسنل باکیفیت در بنگاه‌ها منجر به اهمیت یافتن مدارس آموزش فنی و حرفه‌ای و تسهیلات مرتبط با آن شد.

علاوه بر آن ذکر این نکته ضروری است که باید به عدم وجود ارتباط میان کارفرمایان و کارمندان مجرب نیز توجه شود. اگر به هدف همکاری میان صنعت و دانشگاه نائل آییم، نیاز کارفرمایان به ساختار آموزشی مدارس شغلی شکل داده و عرضه و تقاضا در بخش نیروی کار متعادل‌تر می‌شود که این امر می‌تواند اثر معناداری بر کاهش نرخ بیکاری داشته باشد. در مجموع پیشرفت فناوری و نوسانات اقتصادی با تغییر نیازهای صنایع، تغییر مفهوم جایگاه شغلی و ایجاد جایگاه‌های شغلی جدید به طور مستقیم بر نیروی کار اثر می‌گذارد. در نتیجه حتی اگر فقط تقاضا برای نیروی کار متخصص وجود داشته باشد:

- بیکاران نیازمند آگاهی و دانش هستند که بتوانند با روند تغییرات خود را هماهنگ سازند.
- افراد شاغل نیازمند دستیابی به مهارت‌های بیشتری به منظور همسویی با تغییرات فناوری و رویکردهای اقتصادی جدید هستند.
- افراد شاغل خواهان بازاریابی سیستم کاری، بهبود محیط کاری یا افزودن شاخه‌های جدیدی به دامنه فعالیت‌های خود هستند.

همه این مسائل آینده کشور ترکیه را شکل داده و بر قدرت اقتصادی این کشور تاثیر می‌گذارد. استانبول به عنوان قلب تپنده و رهبر اقتصاد ترکیه شناخته شده است که بر اساس رتبه‌بندی بزرگترین اقتصادهای جهان در میان ۱۵۱ شهر، رتبه ۳۴ امین اقتصاد بزرگ شهری را با ایجاد ۱۸۳ میلیارد دلار درآمد در سال ۲۰۰۹ به دست آورده و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۵ استانبول به ۲۸ امین اقتصاد بزرگ شهری با ۳۶۷ میلیارد دلار درآمد مبدل شود [۱].

استانبول همچنین همسو با بازار پویا، فعالیت‌های اقتصادی گوناگون و سهم این شهر در اقتصاد ترکیه بزرگترین منطقه تولید اشتغال نیز در ترکیه است. در پایان سال ۲۰۰۹ حدود ۱۷.۸ درصد از جمعیت ترکیه در این شهر زندگی می‌کردند و بنابراین به عنوان یکی از بزرگترین کلان‌شهرهای دنیا با جمعیتی حدود ۱۳ میلیون نفر به شمار می‌رفت.

شرکت‌های مستقر در استانبول ۳۸.۸ درصد از مجموع نیروی کار در ترکیه را در سال ۲۰۰۹ استخدام کردند. در هر صورت این درصد کمتر از مجموع نرخ اشتغال در ترکیه با ۴۱.۲ درصد است و به طور مشابه نرخ بیکاری در استانبول در سال ۲۰۰۹ (۱۶.۸ درصد) بالاتر از نرخ بیکاری در ترکیه (۱۴ درصد) است. از این دو مقایسه دو نتیجه‌گیری انجام می‌شود:

استانبول یک منطقه حیاتی اقتصادی در ترکیه در مقایسه با کل کشور است. به همین جهت با توجه به اهمیت بالقوه این منطقه، مشکل بیکاری آن هم در مقایسه با مشکل بیکاری در کل کشور عمیق‌تر است. در نتیجه کاهش نرخ بیکاری هم در شهر استانبول تاثیر مثبت مستقیمی بر کل کشور داشته که منجر به کاهش عمده در نرخ بیکاری کل می‌شود.

همه این مسائل تصویر روشنی از موقعیت شهر استانبول در آن دوره ارائه داده و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مناسب که با نیازهای دنیای کسب و کار هماهنگ باشد را در بالا بردن امکان یافتن شغل برای کارآموزان را نشان می‌دهد.

اتاق بازرگانی استانبول با نزدیک به ۴۰۰ هزار عضو، در میان ۵ اتاق بزرگ دنیا قرار داشته و میزبان یک سوم شرکت‌های ترکیه است. اعضای اتاق استانبول ۲۲ درصد از تولید ناخالص ملی ترکیه و ۴۴ درصد از درآمدهای مالیاتی ترکیه را تولید می‌کنند. اتاق استانبول همچنین هر ساله مشارکت شرکت‌های ترکیه‌ای را در ۵ نمایشگاه بین‌المللی ارائه محصولات ترکی در خارج از کشور و ۱۵ نمایشگاه بین‌المللی دیگر، سازماندهی می‌کند. علاوه بر آن، این اتاق هر ساله گزارش‌های اقتصادی به زبان ترکی و انگلیسی ارائه داده و کنفرانس، سمینار و پنل‌های تخصصی برگزار می‌کند.

اتاق استانبول به دلیل آگاهی از مسئولیت‌های متعدد و مختلفی که بر عهده دارد، در جستجوی رفاه اجتماعی بوده و از همه توان خود برای رفع نیازهای جامعه استفاده می‌کند. بنابراین، این اتاق علاوه بر سایر خدمات مسئولیت اجتماعی شامل آموزش‌های شغلی که بر عهده دارد، در پروژه OZIMEK نیز پیشقدم شد.

OZIMEK پروژه‌ای بود که موفق شد نمایندگان بخش دولتی شامل اداره مدیریت استانی استانبول و اداره استانی آموزش ملی را با دنیای کسب و کار به رهبری اتاق استانبول در کنار هم جمع کند. علاوه بر آن در سال ۲۰۰۸، ISKUR به عنوان هماهنگ کننده بخش کارگری به این پروژه پیوست که کارآمدی آن را تا حد زیادی بالا برد. همین امر سبب شد که پروژه OZIMEK به عنوان تنها پروژه‌ای در ترکیه شناخته شد که توانست همه فعالان عرصه بازار کار را گرد هم آورد.

## ۵- شرح تفصیلی پروژه:

هدف اصلی پروژه OZIMEK حمایت، توسعه و افزایش اشتغال و کاهش بیکاری از طریق زمینه‌سازی تحصیل در سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای برای افراد مختلف جویای شغل است. پروژه OZIMEK مشتمل بر برگزاری دوره‌های آموزشی برای همه کسانی است که از حق تحصیل محروم شده و به دنبال بهبود مهارت‌های حرفه‌ای خود برای تغییر شغل یا کسب شغل جدید هستند.

### ۵-۱- صلاحیت‌های لازم برای شرکت در دوره‌ها

داشتن تحصیلات در مقطع ابتدایی و شرایط جسمانی خوب مطابق با حوزه تخصصی تحصیلی تنها شرایط لازم برای ثبت نام در این دوره‌ها هستند. ضوابط واجدین شرایط که در پروژه OZIMEK تصریح شده است نشان می‌دهد که این پروژه درهای خود را به روی همه کسانی که در جستجوی شغل هستند باز گذاشته است.

### ۵-۲- دوره‌ها

در پروژه OZIMEK، موسسات آموزش شغلی که بیشتر دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای، آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های هنری هستند به دلیل تسهیلات و شرایط مناسب ارائه دوره‌ها به عنوان مکان برگزاری دوره‌ها انتخاب شدند. دقیقاً به دلیل استفاده از همین موسسات فنی و حرفه‌ای به عنوان مکان آموزشی، دوره‌ها بعد از ساعت کاری مدارس در روز شنبه و بعد از ساعات کاری در طول هفته ارائه می‌شود. این موضوع همچنین سبب می‌شود که افراد شاغلی که به دنبال ارتقاء مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای خود هستند بتوانند در این دوره‌ها شرکت کنند. در طول روزهای هفته، دوره‌ها در طول ۴ ساعت و در آخر هفته در ۸ ساعت برگزار می‌شوند.

دوره‌ها تنها در استان‌بول و با توجه به نیازهای جاری بازارهای صنایع، انفورماتیک و بخش خدمات برگزار می‌شوند. برنامه دوره‌ها توسط وزارت آموزش ملی مشخص می‌شود و شامل فعالیت‌های تئوری و عملی است. علاوه بر آن، برنامه‌های ارائه شده ۸۵ درصد تخصصی و ۱۵ درصد فرهنگی - اجتماعی تعریف می‌شوند.

مربیان هر دوره توسط مدیر پروژه و بر اساس تجربه و تخصص فرد انتخاب می‌شوند. تا به امروز اغلب از معلمان دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان مربی در این پروژه استفاده شده است. هر دوره زمانی باز می‌شود که حداقل ۱۸ نفر برای آن دوره تقاضا داده باشند و هر کارآموز ۲۶۰ ساعت برای هر دوره وقت می‌گذارد که البته این میزان ساعت بسته به ساختار هر دوره قابل تغییر است.<sup>۱</sup> علاوه بر آن، کتاب‌های

<sup>۱</sup> این میزان در پایان سال ۲۰۱۲ به ۴۵۰ ساعت آموزش عملی و تئوری برای هر دوره تغییر کرد.

آموزش فنی و حرفه‌ای برای پشتیبانی دوره‌ها در اختیار کارآموزان قرار می‌گیرد. در پایان، هر کارآموز با دریافت یک گواهینامه از سوی وزارت آموزش ملی فارغ‌التحصیل می‌شود.

مشکلات گوناگونی در طول این سالها به دلیل تغییر در مدیریت موسسات فنی و حرفه‌ای درگیر در پروژه OZIMEK وجود داشته است. در هر صورت، تا امروز مهم‌ترین مشکل این پروژه حضور کارآموزان در دوره‌ها بود. به منظور تشویق کارآموزان به حضور منظم در دوره‌ها شرایط جدیدی برای کارآموزان وضع شد:

- عدم حضور کارآموزان نباید بیش از ۲۰ درصد از کل ساعات یک دوره باشد. شرکت‌کنندگانی که این پیش‌شرط را رعایت نکنند، نمی‌توانند در امتحان پایان دوره شرکت کرده و بنابراین شانس دریافت گواهینامه را از دست می‌دهند.

- اگر تعداد کل شرکت‌کنندگان یک دوره کمتر از ۱۸ نفر باشد دوره حذف می‌شود. این وضعیت خود سبب می‌شود که شرکت‌کنندگان مشتاق، سایر کارآموزان را تشویق به حضور کنند.

در نتیجه، مشکل حضور و غیاب که خود تاثیر زیادی در موفقیت پروژه دارد با همکاری با مدیران موسسات فنی و حرفه‌ای تحت کنترل قرار گرفت.

نتیجه این پروژه این بود که فارغ‌التحصیلان، منابع انسانی متخصصی برای بخش‌های متقاضی بوده و آموزش‌های ارائه شده در پروژه OZIMEK سبب انطباق کارآموزان با فناوری‌های جدید مرتبط با رشته کاریشان می‌شود.

برپایه تحقیقات انجام گرفته توسط اتاق بازرگانی استانبول و اداره استانی استانبول برای اشتغال در ترکیه، در سال ۲۰۰۷ تعداد ۴۴ موسسه در این پروژه برای ارائه دوره وجود داشت که با توجه به افزایش تقاضا این میزان به ۱۶۴ عدد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت. همچنین در سال ۲۰۰۷، ۲۵ مدرسه فضای خود را به این پروژه اختصاص دادند که این میزان به ۸۳ مدرسه در سال ۲۰۱۰ رسید.

### ۵-۳- فرآیند آغاز یک دوره جدید

پروژه OZIMEK سیستم تصمیم‌گیری دو لایه دارد. همه درخواست‌های واصله در گام اول به یک کمیته فرعی مشتمل بر گروهی از کارشناسان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارسال می‌شود. این درخواست‌ها می‌تواند:

- از جانب یک موسسه فنی و حرفه‌ای باشد که خواستار ارائه یک دوره در ساختمان خود است.
- از جانب یک شخص برای شرکت در یک دوره باشد.
- از جانب یک شخص برای شروع یک دوره جدید در رابطه با یک حرفه مشخص باشد.
- از جانب یک موسسه یا یک کارآموز در رابطه با لزوم ارائه یک دوره باشد.



- از جانب یک موسسه یا یک کارآموز در رابطه با اطلاعاتی در خصوص بروز مشکل در یک دوره مشخص یا فرآیند انجام یک پروژه باشد.
- از جانب یک موسسه یا یک شخص در رابطه با پیشنهادهایی برای بهبود پروژه باشد.

این مسائل توسط کمیته فرعی حل و فصل شده و در صورت لزوم به شورای مدیریت فرستاده می‌شود. شورای مدیریت هم مرکب از نمایندگان اداره مدیریت استانی استانبول، اداره استانی آموزش ملی، اداره اشتغال ترکیه برای استان استانبول، اتاق بازرگانی استانبول و مدیران دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای منتخب است. آغاز به کار یک دوره جدید و مشکلات مربوط به پروژه‌ها و راهکار حل آنها در نشست‌های این شورا که دو بار در ماه برگزار می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

موسسات فنی و حرفه‌ای داوطلب می‌توانند برای آغاز یک دوره، درخواست خود را به این کمیته فرعی ارسال کنند. این تقاضا پس از یک تحقیق ابتدایی و به همراه یک توصیه‌نامه از جانب این کمیته به شورای مدیریت ارسال می‌شود.

## ۶- نقش اتاق بازرگانی استانبول در حمایت و اجرای پروژه OZIMEK

### ۶-۱- پایگاه اطلاعاتی منابع انسانی

یکی از اقدامات مهم این پروژه که توسط اتاق بازرگانی استانبول انجام شد، اجرای طرح پایگاه اطلاعاتی منابع انسانی در سال ۲۰۰۸ بود.

اتاق بازرگانی استانبول به منظور ایجاد پلی میان دنیای کسب و کار و نیروی کار، اقدام به راه‌اندازی وبسایت پایگاه اطلاعاتی منابع انسانی کرده که هدف از ایجاد آن تشویق کارآموزان به ثبت نام رایگان در این وبسایت و ثبت اطلاعات شخصی و حرفه‌ای و اطلاعات تماس‌شان در آن است. از طریق این وبسایت کارفرمایان به سادگی می‌توانند پرسنل مورد نیاز بنگاه خود را جستجو و استخدام نمایند.<sup>۱</sup>

اتاق استانبول علاوه بر این وبسایت، به طور مستمر با فعالان کسب و کار عضو کمیسیون‌های تخصصی اتاق در ارتباط است تا از فارغ‌التحصیلان OZIMEK برای یافتن شغل مناسب حمایت کند.

### ۶-۲- منابع سرمایه‌گذاری در پروژه

OZIMEK یکی از مهم‌ترین پروژه‌های اتاق استانبول است. در همین راستا:

<sup>۱</sup> آدرس وبسایت: <http://online.ito.org.tr/ITOInsanKaynaklariGenelWeb/genel/index.faces>



- اتاق بازرگانی استانبول ۵ تن از کارمندان اداره بنگاه‌های کوچک و متوسط خود را به این پروژه اختصاص داد تا پویایی و تحرک پروژه را حفظ کرده و شبکه مرتبط با این پروژه را گسترش دهند. مسئولیت این افراد کمک به فعالیت‌های مرتبط با پروژه OZIMEK مانند آماده‌سازی جزوه‌های تحقیقاتی برای دوره‌ها، راهنمایی و اطلاع‌رسانی به افراد در رابطه با اقدامات اتاق در این رابطه یا آماده‌سازی اسناد اطلاعاتی در رابطه با فعالیت‌های پروژه است.

- اتاق بازرگانی استانبول به طور مستمر نشست‌هایی را با همکاری اداره مدیریت استانی استانبول به منظور بحث در رابطه با دوره‌ها یا آگاهی دادن به مدیران دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای برگزار می‌کند. از ابتدای این پروژه، اتاق استانبول معمولاً برای نشان دادن اهمیت این پروژه برای اتاق در بالاترین سطح خود در نشست‌های شورای مدیریت این پروژه شرکت می‌کرد. البته کمک‌های اتاق استانبول به این پروژه محدود به منابع انسانی نیست اما اتاق در واقع منابعی را تامین می‌کند تا خبرگان مرتبط با هر پیشه به لطف شبکه اعضای اتاق گرد هم آیند.

از نقطه نظر منابع مالی، اتاق بازرگانی استانبول و اداره مدیریت استانی استانبول بخش عمده بودجه این پروژه را تامین می‌کنند. بودجه اداره مدیریت استانی استانبول برای این پروژه در ابتدای آن، ۳ میلیون لیره ترکیه و بودجه اتاق استانبول ۱.۵ میلیون لیره بود. اتاق بازرگانی استانبول علاوه بر تامین منابع مالی، به نیازهای مدارس هم توجه ویژه دارد. به طور مثال، جدای از بودجه فوق‌الذکر، اگر یک موسسه فنی و حرفه‌ای نیازمند تهیه مواد آزمایشگاهی یا تسهیلات برای ادامه آموزش باشد اتاق به موسسه برای تجدید تسهیلات یا خرید مواد آزمایشگاهی کمک می‌کند [۱]. در طول پنج سال (از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۲) مجموع سرمایه‌گذاری‌های مشترک انجام شده در این پروژه به بالغ بر ۹.۲ میلیون دلار رسید [۶].

## ۷- نتایج و اثرات پروژه

در نتیجه مشارکت سازنده و پاسخگویی‌های به موقع در این پروژه، این پروژه موفق شد امید نسل جوان استانبول را به زندگی در کلانشهر استانبول حفظ کند. روشن‌ترین نتیجه OZIMEK را می‌توان ایجاد امید در کارآموزان برای یافتن شغل مناسب یا درآمد بیشتر دانست. آمار شرکت‌کنندگان و افزایش آنها از سال ۲۰۰۷ هم خود تصویر روشنی از نتایج موفق این پروژه ارائه می‌دهد.

همچنین رسیدن متقاضیان آموزش به ۲۴.۰۹۳ نفر در سال ۲۰۱۰ که بسیار بیشتر از حد انتظار بود را شاید بتوان ناشی از ویژگی انعطاف‌پذیری پروژه دانست. ذکر این نکته هم ضروری است که تعداد فارغ‌التحصیلان در سال ۲۰۰۷ تنها ۵۰۰ نفر بود و این پروژه موفق شد این میزان را ۴۰ برابر کرده و به ۲۲.۱۱۲ نفر در سال ۲۰۱۰ و ۳۳.۴۶۰ نفر در پایان سال ۲۰۱۲ برساند.

شاید این آمار مهم ترین شاخص موفقیت پروژه OZIMEK باشد. البته افزایش قابل ملاحظه شرکت کنندگان موفقیت پروژه را در کوتاه مدت نشان می دهد. در بلندمدت این پروژه تاثیر زیادی بر اشتغال و جایگاه های شغلی در استانبول داشت:

نتایج حاصل از یک نظر سنجی که توسط اتاق بازرگانی استانبول از ۱۱.۲۸۸ نفر از فارغ التحصیلان این پروژه انجام شد، نشان می دهد که:

- ۲۴.۴ درصد از شرکت کنندگان بیکار موفق به یافتن شغل شدند. (۲۷۶۰ نفر)
- ۱۵.۱ درصد از کارآموزانی که شاغل بودند موفق به تغییر شغلشان شدند. (۱۷۱۴ نفر)
- ۳۹.۶ درصد از فارغ التحصیلان درآمد خود را افزایش دادند. (۴۴۷۱ نفر)
- ۲۰.۷ درصد از فارغ التحصیلان هم در زمان انجام نظرسنجی در جستجوی شغل بودند. (۲۳۴۳ نفر)

#### ۸- قابلیت اجرای پروژه

بیکاری یکی از مشکلات معمول اکثر کشورها مخصوصا بعد از بحران اقتصادی جهانی است. در مورد کشور ترکیه، معضل بیکاری، تاریخی بسیار طولانی تر از این داشته و بنابراین این پروژه نه تنها در استانبول بلکه در سایر بخش های کشور هم می تواند بسیار سودمند باشد به شرط آنکه شرایط ذیل تامین شود:

- وجود تقاضا برای نیروی کار باکیفیت
- وجود علاقه به آموزش های فنی و حرفه ای
- وجود دبیرستان ها و موسسات فنی و حرفه ای

باید توجه داشت که همه اتاق ها می توانند این پروژه را اجرایی کنند به شرطی که همکاری میان بازیگران مختلف همکار در پروژه شامل فعالان کسب و کار، دولتی ها و بخش آموزش با یکدیگر هماهنگ باشد.

آینده چنین پروژه هایی را منابع علمی و مالی موسسات دولتی، شبکه و منابع مالی بخش کسب و کار و هماهنگی و دانش موسسات آموزشی تضمین می کنند. هر موسسه ای که بتواند این پیش شرط ها را رعایت کند می تواند که در پروژه مشارکت نماید.

یک گروه مدیریتی که ترکیبی از همه شرکت کنندگان است می تواند مسئول هماهنگی وظایف محوله در پروژه باشد. در نهایت هم کارشناسان هر دوره می توانند که از میان اساتید دانشگاه، مدارس فنی و حرفه ای یا از هر موسسه آموزش شغلی باشند [۱].

## ۹- ویژگی های منحصر به فرد پروژه

- دوره های ارائه شده توسط این پروژه برای همه رایگان است.
- هیچ محدودیت سنی، تجربه و مهارتی یا بخشی برای متقاضیان دوره های OZIMEK وجود ندارد.
- اتاق بازرگانی استانبول موفق شد از طریق این پروژه به جوانان بی خانمان، افراد معلول و حتی افراد زندانی و معتاد هم کمک کند.
- این پروژه در زمره اولین طرح هایی بود که اتاق و بخش خصوصی در کنار بخش دولتی فرصت آموزش حرفه ای را به افراد دادند.
- محاسبات اتاق استانبول نشان می دهد که بیش از ۶۱ درصد از کارآموزان زندگی خود را بعد از دوره های OZIMEK بهبود بخشیدند.
- این پروژه در حوزه هایی نظیر ماشین آلات، ریخته گری، کارهای فلزی، سیم کشی ساختمان، جوشکاری، موتور و پرس دوره ارائه می کرد که به دلیل هزینه بالا سایر طرح ها و پروژه های مشابه در این زمینه ضعیف بودند.
- یکی دیگر از تاثیرات جانبی این پروژه آغاز به کار پروژه مراکز راهنمایی تخصصی شغلی در سال ۲۰۱۰ در آنکارا بود. این مرکز با همکاری وزارت کار و تامین اجتماعی، وزارت آموزش ملی و اتحادیه اتاق های بازرگانی و بورس کالای ترکیه (TOBB)<sup>۱</sup> تشکیل شد. بر اساس این پروژه، ۱ میلیون نفر از افراد بیکار در این مرکز آموزش دیده و هزینه های این آموزش هم از محل بودجه پروژه به افراد مسترد می شود.
- اتاق بازرگانی استانبول همچنین موفق شد بوسیله پروژه OZIMEK در رقابت جهانی اتاق های بازرگانی که در سال ۲۰۱۱ در مکزیک برگزار شد جایزه اول را در بخش پروژه بهترین مسوولیت اجتماعی شرکت ها کسب کند [۶].

## ۱۰- رقابت اتاق های بازرگانی

رقابت اتاق های بازرگانی<sup>۲</sup> تنها برنامه جوایز جهانی به منظور تشخیص خلاقانه ترین پروژه های انجام شده توسط اتاق های بازرگانی در سراسر دنیا است که هر دو سال یک بار توسط اتاق بازرگانی بین المللی برگزار می شود. شرکت کنندگان در بخش هایی نظیر بهترین مسوولیت اجتماعی شرکت ها، بهترین توسعه کسب و کار و اشتغال، حمایت از بهترین سیاست، بهترین پروژه غیرمتعارف و بهترین بنگاه های کوچک با یکدیگر به رقابت می پردازند.

<sup>1</sup> The Union of Chambers and Commodity Exchanges of Turkey (TOBB)

<sup>2</sup> World Chambers Competition

پروژه بهترین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها: در این طبقه‌بندی به دنبال تقدیر از کسانی هستند که پروژه‌هایی را در جهت ارتباط کسب و کار با مسئولیت اجتماعی‌شان در قبال جامعه، محیط زیست، اقدامات بشردوستانه، محیط کار و فعالیت‌های بازار بسط می‌دهند. این پروژه‌ها می‌تواند شامل پروژه‌های شراکت بخش خصوصی و دولتی و فعالیت‌های طراحی شده برای حمایت از رشد پایدار باشد.

پروژه بهترین توسعه کسب و کار و اشتغال: اتاق‌های بازرگانی نیرویی برای رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفاه هستند. کاندیداها در این بخش یا پروژه‌هایی در جهت توسعه فرصت‌های رشد برای شرکت‌های عضو اتاق دارند یا به ایجاد فرصت‌های شغلی در جامعه کمک می‌کنند.

بهترین پروژه غیرمتمعارف: این بخش به دنبال تقدیر از کسانی است که یک پروژه خاص را که به صورت عمومی مربوط به مأموریت و اهداف اتاق‌های بازرگانی نیست را انجام داده‌اند. این پروژه باید الهام بخش و خلاقانه بوده و نشان دهد درحالی‌که اهداف و نیازهای خاص اتاق و جامعه بنگاه‌های کوچک و متوسط عضو آن را برآورده می‌کند، سبب ایجاد شغل و تقویت اقتصادهای محلی هم می‌شود.

پروژه حمایت از بهترین سیاست: ایجاد توسعه اقتصادی و محیطی در مرکز مأموریت‌های اتاق بازرگانی قرار دارد. بیش از ۴۰۰ سال اتاق‌های بازرگانی نقش مهمی را در شکل دادن به محیط کارآفرینی از طریق اقدامات حمایتی داشتند که به دنبال ایجاد سیاست‌های جدید یا تغییر و بهبود سیاست‌های موجود است. پروژه‌های متعلق به این گروه باید شامل فعالیت‌هایی مانند حمایت قانونی، لابی‌گری، آموزش عمومی، ایجاد ظرفیت، ایجاد رابطه، همکاری و بهبود رهبری مدنی باشد.

پروژه بهترین بنگاه‌های کوچک: در این بخش به دنبال کسانی هستند که پروژه‌های خاصی را در حمایت از بنگاه‌های کوچک اجرا می‌کنند که سبب شکوفایی اقتصادی محلی، ایجاد شغل و باز شدن فرصت‌های کسب و کار جدید برای شرکت‌های عضو اتاق است.

اتاق بازرگانی استانبول در سال ۲۰۰۳ در بخش بهترین بنگاه‌های کوچک، اتاق بازرگانی Gaziantep ترکیه در سال ۲۰۰۵ در بخش بهترین پروژه‌های غیرمتمعارف، اتاق بازرگانی ازمیر ترکیه در سال ۲۰۰۹ در بخش پروژه بهترین کشورهای در حال توسعه، اتاق بازرگانی استانبول در سال ۲۰۱۱ در بخش پروژه بهترین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، و اتاق بازرگانی Kocaeli ترکیه در سال ۲۰۱۵ در بخش پروژه بهترین توسعه کسب و کار و ایجاد اشتغال، جزء اتاق‌های ترکیه بودند که موفق به دریافت این جایزه شدند [۷].

## ۱۱- نتیجه‌گیری

امروزه آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای از اهمیت ویژه‌ای در سراسر دنیا برخوردار است. در واقع آموزش‌های شغلی که بر اساس دانش، مهارت و شایستگی باشند یک دستاورد مهم برای فرد به شمار می‌روند. هدف

آموزش‌های شغلی در دنیای جدید اول همسویی آموزش و پرورش با تقاضاها و پیش نیازهای بازار کار، دوم ایجاد یک رویکرد مشارکتی در میان مدارس و موسسات آموزشی، سوم ایجاد توانایی در فارغ‌التحصیلان برای یافتن شغل در سطح بین‌المللی و در آخر بهبود مداوم مهارت‌ها و ویژگی‌های حرفه‌ای است [۸].

ترکیه هم از جمله کشورهایی است که به دنبال بهبود و ارتقا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این کشور به منظور غلبه بر مشکل روزافزون بیکاری است. پروژه OZIMEK که در سال ۲۰۰۷ و با همکاری اداره مدیریت استانی استانبول، اداره استانی آموزش ملی ترکیه، اتاق بازرگانی استانبول و اداره اشتغال ترکیه برای استان استانبول انجام شد، یکی از این تلاش‌های مشترک بخش خصوصی و دولتی برای حل مشکل بیکاری در استانبول از طریق ارائه دوره‌های آموزش شغلی به طیف وسیعی از گروه‌های اجتماعی بود.

در این پروژه تلاش شد تا با استفاده از ظرفیت‌های موجود دبیرستان‌های فنی و حرفه‌ای در زمان تعطیلی‌شان کلاس‌های آموزشی برگزار شود. از سوی دیگر به دلیل هزینه بالای کلاس‌های آموزشی در حوزه صنعت که نیازمند زیرساخت، ماشین آلات، تجهیزات و نرم افزار است تا قبل از این پروژه کلیه دوره‌های فنی و حرفه‌ای که توسط شهرداری‌ها یا اتاق‌های بازرگانی برگزار می‌شد از ارائه چنین دوره‌هایی اجتناب می‌کرد. در پروژه OZIMEK ضمن شناسایی این مشکل تصمیم گرفته شد که جذابیت دوره‌ها افزایش یافته و کلیه دوره‌های مورد نیاز پوشش داده شود. به همین منظور برای صرفه‌جویی در منابع از فضای دبیرستان‌ها و موسسات فنی و حرفه‌ای در زمان تعطیلی یا تعطیلات آخر هفته استفاده شد. این موضوع خود دو فایده جانبی هم در بر داشت: یکی بهبود دسترسی به معلمان و مربیان و دیگری نرخ بالاتر مشارکت به دلیل توانایی حضور دانش‌آموزان و کارمندان بعد از ساعت کاری یا تحصیلی بود.

پروژه OZIMEK در شناسایی عرضه و تقاضا در حوزه آموزشی بسیار موفق عمل کرده و با تجزیه و تحلیل پروژه‌های <sup>۱</sup> ISMEK و <sup>۲</sup> BELTEK دوره‌های خود را بدون تقلید و کپی از روی آنها انتخاب کرد. همچنین برای دوری از رقابت غیرضروری با بخش خصوصی در این پروژه تلاش شد تا از ارائه دوره‌هایی که سایر موسسات آموزش فنی و حرفه‌ای به خوبی پوشش داده‌اند خودداری شود.

انتخاب دوره‌ها هم در این پروژه بر اساس اطلاعات داده شده توسط اعضای اتاق بازرگانی استانبول و مطالعات انجام شده توسط این اتاق صورت می‌گیرد به دلیل رابطه متقابل مربیان ارائه دهنده کارآموزی و صنعتگران، این افراد منبع قابل اعتمادی برای اطلاع رسانی در رابطه با تقاضای بازار و روش‌های بهبود دوره‌ها به شمار می‌روند [۲].

<sup>۱</sup> یک سازمان آموزشی دولتی است که دوره‌های فنی و حرفه‌ای ارائه می‌کند.

<sup>۲</sup> پروژه آموزش و اشتغالزایی زنان

محاسبات اتاق استانبول در سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که بیش از ۶۱ درصد از کارآموزان زندگی خود را بعد از دوره‌های OZIMEK بهبود بخشیدند. این نظرسنجی‌ها همچنین نشان می‌دهد که ۲۴.۴ درصد از شرکت‌کنندگان بیکار موفق به یافتن شغل و ۱۵.۱ درصد از کارآموزان موفق به تغییر شغل و ۳۹.۶ درصد از فارغ‌التحصیلان درآمد خود را افزایش دادند.

در فاز بعدی هم پروژه OZIMEK تجربه‌های خود را در اختیار یک پروژه بین‌المللی گذاشت که توسط اداره همکاری و هماهنگی ترکیه<sup>۱</sup> حمایت و توسط اتاق بازرگانی استانبول اجرا شد. در این پروژه دانشجویان خارج از کشور از طریق تسهیلات و رویکردهای آموزشی OZIMEK آموزش دیدند.

## ۱۲- منابع

1. <http://docplayer.net/21519179-Executive-summary-istanbul-chamber-of-commerce.html>
2. HOW THE PRIVATE SECTOR DEVELOPS SKILLS: LESSONS FROM TURKEY, United Nations Development Programme, Istanbul International Center for Private Sector in Development, 2014
3. The benefits of vocational education and training, Luxembourg: Publications Office of the European Union, 2011
4. Sarojini Hirshleifer, David McKenzie, Rita Almeida, Cristobal Ridaio-Cano , The Impact of Vocational Training for the Unemployed: Experimental Evidence from Turkey, March 2014
5. SKILLS VISION 2020 TURKEY, Working Document, November 2014
6. Best practice session: Chamber success stories Ben Butters, EUROCHAMBRES EU Affairs Director, 2012
7. <http://www.iccwbo.org/training-and-events/competitions-and-awards/world-chamber-competition/>
8. vocational education and training in turkey, THE REPUBLIC OF TURKEY MINISTRY OF NATIONAL EDUCATION, 2012

---

<sup>۱</sup> Turkish Cooperation and Coordination Agency